

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دور دوم شماره یازدهم حمل ۱۳۸۸ (اپریل ۲۰۰۹)



استراتژی جدید امریکا در قبال افغانستان

مطلبی تحت عنوان "کرزی تحت فشار غرب" در روزنامه "نیویارک تایمز" که صبح روز دوشنبه مورخ ۲۳ مارچ ۲۰۰۹ در خیابانهای امریکا پخش شد، نکاتی از استراتژی جدید دولت ایالات متحده امریکا در قبال افغانستان را روشن می سازد. صفحه ۲



صدور حکم بارک اوباما مبنی بر اعزام ۱۷۰۰۰ نیروی نظامی اضافی به افغانستان

براساس گزارشهای تازه، بارک اوباما رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا مجوز استقرار ۱۷۰۰۰ نیروی اضافی در افغانستان را صادر کرده و گفته است که: صفحه ۳



تظاهرات ضد امریکایی در ولایت خوست باعث عقب نشینی نیروهای ایساف شد

مردم ولایت خوست طی تظاهرات خشمگینانه ضد امریکایی شاهره خوست - گردیز را به روی ترافیک مسدود ساخته و اجساد قربانیان حمله نیروهای امپریالیستی را که شب گذشته در آن ولایت به مرحله اجراء درآمده بود، در سرک گذاشته بودند. صفحه ۴



گفتگوی ۶۰ دقیقه ای بارک اوباما با شبکه تلویزیونی CBS به ارتباط "استراتژی خروج"

بارک اوباما رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا از لزوم وجود یک "استراتژی خروج" برای نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان سخن گفت و تاکید کرد که تدوین این استراتژی حتی در حال صفحه ۵

یادی از نوروز ۱۳۸۸ خورشیدی

... نوروز ۱۳۸۸ با درد ورنج و مصیبت توده های ستمدیده افغانستانی گره خورده است. نوروز در کشوری که آماج حملات ددمشانه امپریالیستهای اشغالگر امریکایی و متحدین شان قرار گرفته و به ویرانه ای مبدل گشته است؛ صفحه ۸

ترجمه متن کامل سخنان بارک اوباما

در سخنرانی روز جمعه، ۲۷ مارچ ۲۰۰۹، در کانگرس امریکا صفحه ۶

استراتژی جدید امریکا در قبال افغانستان

گزارشگر پیکار جوانان

۲۴ مارچ ۲۰۰۹

برجسته اروپائی که از افشاء نامش خود داری شده، نوشته است:

"غیرمتمرکز کردن قدرت ضروری است. ما به کسی درکنار کرسی نیاز داریم، مثلا یک رئیس اجرائی که بتواند کارها را انجام دهد؛ هم قابل اتکاء برای ما باشد و هم اینکه در قبال مردم افغانستان پاسخگو باشد." روزنامه همچنان ادامه داده است: "ما بر سر این تاکید داریم که فعلا وقت آن است تا تقسیم جدید مسئولیت ها بین قدرت مرکزی و محلات صورت بگیرد.

"(روزنامه گاردین - ۲۳ مارچ ۲۰۰۹)

به نوشته روزنامه گاردین نام شخص خاصی برای پست جدید "رئیس اجرائی در کنار کرسی" هنوز اعلام نشده، اما بصورت فوق العاده جدی محمد حنیف اتمر، وزیر اصلاح طلب داخله دولت حاکمه افغانستان برای این مقام مد نظر گرفته شده است.

گاردین در پایان مقاله اش از یک خطر نیز نام برده و نوشته است که:

"برای امریکا خطر قراردادن یک تکنوکرات در موازات کرسی این است که این اقدام یک عمل استعماری تلقی شود، هر چند که آن فرد افغانی هم باشد." (روزنامه گاردین - ۲۳ مارچ ۲۰۰۹)

در پایان مقاله مندرج در روزنامه گاردین آمده است که کرسی اعلام نموده در برابر محدود کردن قدرتش بصورت جدی مقاومت خواهد کرد. به نوشته گاردین در هفته گذشته به تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۰۹ کرسی یک دولت خارجی را بدون ذکر نام متهم کرده که میخواهد حکومت مرکزی را تضعیف نماید.

این روزنامه همچنین در شماره منتشره ۲۳ مارچ ۲۰۰۹، در گزارش جداگانه ای، به نقد شخصیت کرسی نیز پرداخته است.

اگر چه از یک طرف کاخ سفید به شدت

فاش شود یادآور شده که: "کرسی کارآمد نیست. اگر ما بخواهیم از دولتش حمایت کنیم، باید دولت به درستی اداره شود تا سطح فساد کاهش یابد نه افزایش. سطح فعلی، فساد وحشتناک را نشان میدهد." (روزنامه گاردین - ۲۳ مارچ ۲۰۰۹)

روزنامه گاردین همچنان به نقل از یک دیپلمات دیگر امریکایی که نام او را نیز افشاء نکرده است میگوید: "هیچکس نمیتواند مطمئن باشد که کسی دیگر ده برابر بدتر نخواهد بود."

روزنامه گاردین در پی افشای بعضی از پلان های دولت امریکا یاد آور شده است که امریکایی ها حنیف اتمر را به عنوان "رئیس اجرائی" در کنار رئیس جمهوری کرسی مد نظر گرفته اند.

به گفته روزنامه گاردین اصلی ترین نکته استراتژی جدید ایالات متحده امریکا بر محدود کردن اهداف و خواسته های امریکا در افغانستان متمرکز خواهد بود.

نکته عمده ای که روزنامه گاردین بدان اشاره نموده عبارت از طرح جدید ایالات متحده امریکا مبنی بر افزایش نفقات اردوی افغانستان تا ۲۳۰ هزار نفر، افزایش نفقات پولیس تا ۸۰ هزار نفر و اعزام تعداد بیشتر نیروی غیر نظامی امریکایی و اروپائی برای پیشبرد امورات زیرساختی افغانستان و افزایش کمک به پاکستان برای تشویق آن کشور مبنی بر پذیرش هر چه بیشتر نیروی های امریکایی مستقر در افغانستان و "مبارزه" موثر تر بر ضد عناصر القاعده و طالبان، است.

روزنامه گاردین همچنان نوشته است که اروپائی ها نیز از پیشنهاد امریکا برای ایجاد یک ریاست جایگزین برای قوه اجرائیه حمایت کرده اند.

در ادامه مطالب مندرج در مقاله منتشره، روزنامه گاردین به نقل از یک مقام

مطلبی تحت عنوان "کرسی تحت فشار غرب" در روزنامه "نیویارک تایمز" که صبح روز دوشنبه مورخ ۲۳ مارچ ۲۰۰۹ در خیابانهای امریکا پخش شد، نکاتی از استراتژی جدید دولت ایالات متحده امریکا در قبال افغانستان را روشن می سازد.

روزنامه نیویارک تایمز مطالبی را در مورد استراتژی جدید دولت امریکا در قبال افغانستان به چاپ رسانیده و در آن متذکر شده که کشورهای غربی کرسی را تحت فشار قرار داده اند تا ایجاد پست نخست وزیری را بپذیرد.

به نوشته روزنامه تایمز، مقام های بریتانیه ای و امریکایی بر این نظراند که کرسی در مقام رئیس جمهور باقی بماند، اما نقش اوتشریفاتی و سمبولیک، شبیه آنچه که در افغانستان بنام "بابای ملت" نامیده شده است، باشد.

به عین ترتیب روزنامه گاردین نیز در همان تاریخ، از بخش هایی از استراتژی جدید ایالات متحده امریکا که قرار است به تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۰۹ به تصویب برسد، پرده برداشته است.

گاردین نیز یادآوری نموده که امریکا و متحدان اروپائی اش برای پست مهم و کلیدی برای ساختار نظام سیاسی آینده افغانستان زمینه سازی میکنند. به نوشته گاردین ایجاد چنین پست کلیدی یک چالش مستقیم برای کرسی خواهد بود. گاردین در مقاله منتشره خود ادامه میدهد که افزون بر ایجاد پستی در راس قوه مجریه، پول هایی که بعدا "جامعه جهانی" قرار است به افغانستان کمک کند، مستقیما به مقام های محلی داده خواهد شد.

روزنامه گاردین همچنان به نقل از یک دیپلمات امریکایی که نخواست نامش

در مقابل گزارشات منتشره روزنامه های گاردین و نیویورک تایمز عکس العمل نشان داده و تمام نوشته های مندرج این روزنامه ها را رد نموده و از طرف دیگر دولت افغانستان نیز به گزارشات روزنامه گاردین واکنش نشان داده و همایون حمید زاده سخنگوی کرسی مندرجات روزنامه گاردین را بی ربط خوانده است. اما گزارشات منعکسه در روزنامه های امریکا که از استراتژی تازه بارک اوباما و دولت ایالات متحده امریکا در قبال افغانستان صحبت می کنند، جنبش انقلابی کشور را متوجه میسازد تا هرچه سریعتر و فعالتر، مبارزه تدارکی بخاطر برپائی و پیشبرد هرچه وسیعتر مقاومت ملی مردمی و انقلابی را به فرجام رسانده و چنین مقاومتی در اشکال و ابعاد گوناگون آن شگوفا سازند.

امپریالیستها با تکیه بر ذرات خانه های تسلیحاتی خود میخوانند سلطه جهانی شان را حفظ نموده و بیشتر از پیش تحکیم نمایند؛ اما بالمقابل، مطابق به گفته معروفی، "گورکنان خود را به دست خود بوجود خواهند آورد."

جنبش انقلابی جوانان افغانستان با پیگیری اینگونه گزارشات و انتشار آن میخواند اعلام نماید که باید مبارزات سیاسی فعال خود را بیشتر از گذشته وسعت دهیم، بیشتر از گذشته به وحدت جنبش انقلابی کشور توجه نماییم و کوشش کنیم که برای طرد تجاوز و اشغال مبارزه پیگیر و بی امان خود را ادامه دهیم.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان تمامی جوانان افغانستانی را به خروج شجاعانه و رزمجویانه از زیر درفش اردو و پولیس پوشالی و همچنان ترک بی تفاوتی ها و فرارطلبی ها از مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان فرا میخواند.

صدور حکم بارک اوباما

مبنی بر اعزام ۱۷۰۰۰ نیروی نظامی اضافی به افغانستان

گزارشگر پیکار جوانان

اول حوت ۱۳۸۷

افزایش نیروها " برای ایجاد ثبات در وضعیت رو به وخامت افغانستان ضروری است. " وی گفته است که : " طالبان در حال جان گرفتن در افغانستان هستند و القاعده از مامن خود در طول مرز پاکستان از شورش ها پشتیبانی کرده و امریکا را تهدید میکند. "

بارک اوباما بعد از صدور فرمان خود چنین گفت: " افغانستان از توجه، راهنمایی و منابع استراتژیکی محروم مانده و عاجلانه بدان نیازمند است. " وی استقرار نیروهای تازه ایالات متحده امریکا در خاک افغانستان را زمینه کاهش نیروهای امریکایی در عراق برشمرد و یادآور شد که این کار به زودی به مرحله اجراء در خواهد آمد.

این اعلامیه از کاخ سفید بعد از آن منتشر شد که سازمان ملل متحد اعلام نمود شمار تلفات غیر نظامیان کشته شده در مناقشه افغانستان نسبت به سال گذشته میلادی ۳۹ درصد افزایش یافته است.

به این ترتیب، تحکیم بیشتر اشغال و تشدید جنگ و گسترش دامنه آن ارمغان بارک اوباما برای افغانستان است.

این اولین فرمان اوباما مبنی بر استقرار نیروی ۱۷۰۰۰ نفری اضافی در خاک افغانستان به شمار میرود. مقام های امنیتی گفته اند که این نیروها قرار است پیش از رسیدن فصل گرما بخاطر جلوگیری از تشدید احتمالی نبردها در داخل خاک افغانستان مستقر شوند.

بنابر گزارشهای داده شده، این نیروها شامل ۸۰۰۰ تفنگدار بحری، ۴۰۰۰ سرباز اردوی زمینی و ۵۰۰۰ خدمه پشتیبان خواهد بود.

گزارش دیگری حاکی از آن است که فرماندهان امریکایی در افغانستان خواستار ۳۰۰۰۰ نیروی اضافی شده اند. بارک اوباما در این زمینه بر علاوه آنکه موافقتش را اعلام نموده، گفته است که



تظاهرات ضد امریکایی در ولایت خوست باعث عقب نشینی نیروهای ایساف شد

گزارشگریکار جوانان
۱۷ حوت ۱۳۸۷

یک منبع دفتر مطبوعاتی نیروهای ناتو در خوست به خبرنگاران گفت که: "این عملیات به همراهی نیروهای سرحدی افغان به اساس یک راپور صورت گرفته و به گفته آنان این افراد در نتیجه شلیک های متقابل کشته شده اند."

همچنان در یک اعلامیه منتشره از طرف دفتر مطبوعاتی نیروهای امریکایی در کابل گفته شده است که آنها بر ضد جنگجویان گروه حقانی عملیات نموده اند و حین تلاشی یک منزل رهائشی بر آنها شلیک صورت گرفته است.

شورای ولایتی خوست طی یک نشست خبری در جمع خبرنگاران، عملیات نیروهای امریکایی و کشتار ملکی را به شدت محکوم نموده است. در این نشست خبری که رئیس و اعضای شورای ولایتی حضور داشتند قطعنامه ای نیز قرائت گردید که در یک قسمت آن چنین نوشته شده بود:

"اگر چنین واقعات ادامه پیدا کند، ملت مجبور خواهد شد تا فیصله نهایی را بگیرد و آن قیام مردمی خواهد بود." گفتنی است که از سه ماه گذشته بدینسو، واقعات مربوط به تلفات افراد ملکی از طرف نیروهای امریکایی در مناطق مختلف کشور افزایش یافته است، که از آنجمله میتوان از رویداد های الیشنگ لغمان، تگاب کاپیسا، شیندند هرات، زابل، کندهار و واقعه قلعه ساروان هلمند یادآوری کرد.

دادند. پولیس ضد شورش دولتی برای خنثی کردن این تظاهرات بالمقابل به فیهوائی مبادرت ورزید و هرزمانیکه تجمع مردم متراکم و فشرده میگردد نیروی پولیس به فیهوائی مبادرت می ورزید. گفته شده است که طی فیههای پولیس دولتی یک نفر کشته و دودنفر دیگر نیز زخمی شده اند.

گزارشها حاکی از آن است که شب گذشته، نیروهای امریکایی دو متعلم مکتب را مورد هدف قرار داده و کشته اند. در یک اعلامیه منتشره وزارت معارف که به تاریخ ۱۷ حوت نشر گردید آمده است که:

"نیروهای امریکایی شام گذشته در مربوطات شهر خوست عملیات نموده و دو شاگرد مکتب را کشته اند."

در این اعلامیه افزوده شده است که "...شاگردان کشته شده هریک بادشاه گل فرزند لاهورالدین متعلم صنف دهم لیسه الفتح و محمد قاسم فرزند اکبرعلی متعلم صنف هشتم لیسه شهید محمد داود بودند..."

قبل ازین باشندگان قریه شگه در حومه شهر خوست صبح امروز گفتند که در عملیات شب گذشته نیروهای امریکایی چهار غیرنظامی کشته شده است.

سید موسی مجروح سخنگوی ریاست معارف خوست نیز کشته شدن دو شاگرد مکتب را تایید نمود. موصوف افزود که از طرف وزارت مربوطه برایشان دستور داده شده است که در مراسم تدفین شاگردان مکتب اشتراک کند و با خانواده های قربانیان مساعدت نقدی صورت پذیرد.

مردم ولایت خوست طی تظاهرات خشمگینانه ضد امریکایی شاهره خوست - گردیز را به روی ترافیک مسدود ساخته و اجساد قربانیان حمله نیروهای امریالیستی را که شب گذشته در آن ولایت به مرحله اجراء درآمده بود، در سرک گذاشته بودند.



این تظاهرات از ساعات ۹ صبح مورخ ۱۷ حوت ۱۳۸۷ آغازیافت و تا ساعات سه بعد از ظهر دوام نمود. مردمان خشمگین بسوی نیروهای ایساف و ناتو سنگ پرتاب مینمودند و اجازه عبورازین مسیر را به آنها نمیدادند. نیروهای ایساف و ناتو نیز درمقابل این عمل واکنش نشان داده و مردمان ملکی را به مرمی بستند. در این حادثه گفته میشود که ۶ نفر کشته و ۳ نفرزخمی شدند، اما مردمان خشمگین ولایت خوست چنان با سنگ وچماق برآنها حمله ورشدند که نیروهای ایساف و ناتو مجبور به فرار و ترک منطقه گردیدند.

مردم خشمگین بعدا به شهر خوست رفته و تظاهرات خویش را در آنجا ادامه



گفتگوی ۶۰ دقیقه‌ی بارک اوباما با شبکه تلویزیونی CBS به ارتباط "استراتژی خروج"

گزارشگریکار جوانان

۲۷ مارچ ۲۰۰۹

میکنند که بخاطر استقرار حاکمیت پوشالی اش کماکان در افغانستان باقی بماند و بهانه میاورد که نیروهای مسلح دولت هنوز بر سرپای خویش استوار نیستند و تا زمانیکه اردو و پولیس پوشالی به یک ثبات کامل نرسند امریکا باید همیشه در کنارشان باقی بماند. رژیم می خواهد نشان دهد که افغانستان و مردم افغانستان کماکان خواهان آن هستند که نیروهای امپریالیستی اشغالگر کماکان در خاک کشورشان مستقر باشند و بخاطر " ثبات سیاسی " این کشور وهمچنان " بخاطر دفاع از حریم کشور " آنها را مدرسانند.

برای توده های ستمدیده افغانستان بخوبی آشکار است که آنچه را تا حال برای امپریالیست ها مهم بوده تریه یک نیروی تسلیم طلب و درعین حال فوق العاده میهن فروش، بی اراده و مزدور منش است. این نیرو عموماً از میان اقشار روشنفکر و تحصیل کرده سر بلند میکند. این نیرو، نیروی است کاملاً ارتجاعی و خادم امپریالیزم که با افکار و اشکال گوناگون قد برافراشته است. بدین اساس توقع کوچکترین فداکاری، میهن پرستی، استقلال طلبی و آزاد منشی از چنین دولتهای بی پایه و بی اساس یک توهم محض و خطرناک است.

آنچه که برای مردمان ستمدیده افغانستانی لازم و ضروری است برپائی یک خیزش و مقاومت عمومی است؛ خیزشی که بتواند اصولی به پیش رود و مقاومتی که بتواند استقلال، آزادی و برابری حقیقی را به ارمغان بیاورد. بدون برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی و بدون در نظر داشت خط انقلابی و بدون اینکه به بسیج فشرده توده های وسیع و به ویژه نیروی جوان کشور توجه نماییم دیگر هیچ راه نجات حقیقی و اصولی برای اسیران دربند این کشور نمیتوان جستجو نمود.

" استراتژی خروج " در بازبینی سیاست امریکا از طریق سخنگوی خود همایون حمیدزاده اعلام کرده است که نیروهای بین المللی باید وقتی افغانستان را ترک کنند که نیروهای امنیتی افغانستان قادر به ایستادن بر روی پای خود باشند! همایون حمیدزاده در ادامه مطالب اش یادآوری نمود که دولت افغانستان خواهان حمایت بی دریغ دولت ایالات متحده امریکا میباشد!

ریچارد هولبروک فرستاده ویژه ایالات متحده امریکا به افغانستان و پاکستان اعلام کرده است که امریکا دیگر مسائل این دو کشور را بصورت مسائل مجزاء از هم در نظر نخواهد گرفت و سیاست واحدی را برای رویارویی با این دو منطقه در پیش خواهد گرفت. او همچنین گفت که دوران " غفلت " ازین ناحیه به سرآمده و قول داد که نیروها و تجهیزات بیشتری به این منطقه ارسال نماید.

طوری که از بیانات مطروحه بارک اوباما و عکس العمل دولت دست نشانده حامد کرزی معلوم میشود بخوبی میتوان تشخیص داد که این موش و گربه بازی ها و این درامه ها و سناریوهای پشت پرده فقط برای فریب اذهان عموم است تا مردم را کماکان اغفال نموده و از آب گل آلود ماهی چه بلکه نهنگ شکار نمایند.

طوری که در طول ادوار تاریخی ثابت گردیده است دولتهای امپریالیستی برای استقرار پایگاه های دائمی اشغالگرانه خود همیشه و همه وقت دولت های دست نشانده ای را تریه نموده و به خدمت میگیرند. دولت دست نشانده حامد کرزی نیز چیزی مجزاء از آن روند نمیتواند باشد. این رژیم با شنیدن حرف های بارک اوباما به ارتباط " استراتژی خروج " دست و پایش به لرزه افتاده و دست به دامن ایالات متحده میزند و از تقاضا

بارک اوباما رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا از لزوم وجود یک " استراتژی خروج " برای نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان سخن گفت و تاکید کرد که تدوین این استراتژی حتی در حال حاضر که اعزام نیروهای بیشتری برای مبارزه با پیکارجویان طالبان و نیروهای القاعده در اس برنامه های آن دولت میباشد، مورد بحث و نظر قرار دارد.

او این مسائل را در گفتگویی با برنامه " ۶۰ دقیقه " شبکه تلویزیونی CBS مطرح نمود. این مصاحبه در شرایطی پخش گردید که دولت امریکا برای ارائه استراتژی جامع خود درباره افغانستان آماده میشود.



بارک اوباما به تعقیب دستورافزایش ۱۷۰۰۰ نفری شمار نیروهای امریکایی در افغانستان به این شبکه تلویزیونی گفت که در عملیات نیروهای امریکایی در افغانستان " ماموریت اصلی شان " جلوگیری از حملات القاعده به خاک امریکا، منافع امریکا و منافع متحدان این کشور است. او تاکید کرد که ماموریت اصلی نیروهای امریکایی در افغانستان با زمانی که این نیروها پس از حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویورک به افغانستان حمله کردند، تفاوتی نکرده است. انتظار می رود که سیاست امریکا در قبال افغانستان در روز ۳۱ ماه مارچ ۲۰۰۹ در نشستی ویژه در کشور هالند در لاهه اعلام شود. دولت حامد کرزی بعد از مطرح شدن مسئله

ترجمه متن کامل سخنان بارک اوباما

در سخنرانی

روز جمعه، ۲۷ مارچ ۲۰۰۹، در کانگرس امریکا

را می‌خواهند که ما خواستار آن هستیم: پایان دادن به دهشت، دسترسی به خدمات اساسی، فرصت تحقق بخشیدن به آرزوها و امیال خود و امنیتی که تنها با موجودیت حاکمیت قانون بدست می‌آید. یگانه خطر بزرگ از طرف القاعده و متحدین افراطی آنها متوجه آینده است. به همین ملحوظ ما باید با هم یکجا اقدام کنیم.

دهشت گرانی که در سرحدات پاکستان هستند، نه تنها دشمنان مردم امریکا و افغانستان هستند بلکه آنها خطر بزرگ و عاجل به مردم پاکستان نیز متوجه ساخته اند. القاعده و افراطی‌های دیگر، چندین هزار پاکستانی را از یازده سپتامبر به این سو به قتل رسانده اند. آنها تعداد زیادی از عساکر و پولیس پاکستانی را به قتل رسانده اند. آنها بینظیر بهتو را بقتل رساندند. عمارات را منهدم ساختند، سرمایه گذاری را مختل و معطل ساختند و ثبات دولت را به مخاطره انداخته اند.

در تشخیص القاعده اشتباه نکنید: القاعده و متحدین افراطی اش سرطان وار مردم پاکستان را از داخل به نابودی خواهند کشانید. ما باید کمک‌های خود را به خاطر تهیه وسایل، آموزش و تقویه چیزهایی بکار ببریم که پاکستان به خاطر ریشه کن ساختن دهشت گران به آن ضرورت دارد. پاکستان باید در جهت ریشه کن ساختن القاعده و افراطی‌ها در داخل سرحدات، تعهد خود را عملاً نشان دهد. ما اصرار خواهیم کرد، وقتی که ما در مورد دهشتگران و اهداف بلند پایه تروریست‌ها، معلومات استخباراتی داشته باشیم، باید به نحوی از انجا اقدام عملی صورت گیرد.

برای مساعدت با پاکستان در بخش رکود اقتصادی، ما باید با صندوق وجهی بین المللی، بانک جهانی، و همکاران دیگر بین المللی همکاری کنیم. به خاطر کاهش تشنج بین دو ملت مسلح با نیروی اتمی که

بازگشت به رژیم طالبان به معنی انکار از حقوق اساسی و بشری بخصوص برای زنها و دختران خواهد بود. و بازگشت مجدد تروریستهای القاعده با رهبران هسته مرکزی طالبان خواهد بود که افغانستان را به زیر سایه خشونت متداوم قرار خواهند داد.

ما به افغانستان به خاطر کنترل این کشور و یا تحمیل آینده بر آنها نرفتیم. ما بخاطری در افغانستان حضور داریم که با دشمن مشترک مقابله نمائیم. دشمنی که ایالات متحده را تهدید میکند، دوستان و متحدین ما را تهدید میکند و مردم افغانستان و پاکستان را تهدید میکند؛ مردمیکه از همه بیشتر از دست افراطی‌ها و خشونت آنها زجر کشیده اند.

ما هدف واضح و محوری داریم: مختل کردن، از بین بردن و شکست القاعده در پاکستان و افغانستان و ممانعت از بازگشت آنها در آینده به هر یکی از این کشورها. این هدف و مقصد باید برآورده شود، زیرا قضیه بسیار عادلانه است. برای تروریستهایی که با ما مخالفت میکنند، پیغام من همین است: ما شما را شکست خواهیم داد.

برای تحقق این اهداف ما به یک استراتژی قوی تر، ذکاوت مندانه تر و جامع ضرورت داریم. امریکا باید مانع ارسال منابع کافی به افغانستان، بخاطر جنگ در عراق نگردد. ما باید حمایت بین المللی را به شکل منظم جلب کنیم. ما باید شرایط اساسی ارتباط بین آینده افغانستان و پاکستان را تشخیص نموده و به رسمیت بشناسیم.

ایالات متحده امریکا برای مردم پاکستان احترام زیادی قایل است. آنها تاریخ غنی دارند. بخاطر حفظ و تداوم دموکراسی خود، در مقابل شرایط ناگوار مبارزه کرده اند. مردم پاکستان عین همان چیز

"عهده بسیاری از مردم در ایالات متحده امریکا و کشورهای متحد ما که قربانی‌های زیاد داده اند، یک سوال بسیار بسیط دارند: مقصد و مرام ما در افغانستان چه هست؟ آنها بعد از سالیان دراز، این سوال را میکنند.

اجازه بدهید که به توضیح آن پردازم: القاعده و متحدین آن، تروریستهایی که حملات یازده سپتمبر را پلان گذاری و حمایت کردند، در پاکستان و افغانستان بسر می‌برند. تخمین‌های متعدد استخبارات هوشدار می‌دهند که القاعده به شکل فعال در پناه گاهای مصئون خود در پاکستان، مشغول پلان گذاری حملات بر کشور ما، ایالات متحده امریکا، است. اگر حکومت افغانستان بدست طالبان سقوط کند و یا اجازه دهد که القاعده بدون مزاحمت و مقابله فعالیت کند، این کشور مجدداً به یک پناه گاه تروریستها مبدل خواهد شد. تروریستهایی که می‌خواهند به هر تعدادی که ممکن باشد و بتوانند مردم ما را بکشند. سرنوشت افغانستان، به شکل انفکاک ناپزیر، با سرنوشت کشورهمسایه اش پاکستان وابسته است. تقریباً در هشت سال گذشته، بعد از وقوع حملات یازده سپتامبر، القاعده با متحدین افراطی اش از سرحد افغانستان به سوی نقاط دور دست در سرحد پاکستان عبور کرده اند. اما این مشکل، تنها مشکل امریکا نیست، بلکه یکی از حادترین مشکلات امنیت بین المللی است. حملات تروریستی در لندن و بالی، به القاعده و متحدینش در پاکستان منسوب دانسته شده اند. همچنان حملاتی در شمال افریقا، شرق میانه و در اسلام آباد و کابل مرتبط به القاعده دانسته میشود.

برای مردم افغانستان بازگشت به حکومت طالبان به معنی محکومیت آنها بوده که تحت سلطه یک رژیم ظالمانه زندگی کنند، از جامعه بین المللی تجرید و منزوی شوند، اقتصاد شان مفلوج و راکد گردد. علاوه،

اکثرا باهم به سرحد مقابله می‌رسند، ما باید بین پاکستان و هند به دیپلوماسی تعمیری ادامه بدهیم.

به خاطر احتراز از اشتباهات گذشته، ما باید خاطر نشان سازیم که روابط ما با پاکستان بر اساس تقویه موسسات دموکراتیک و مردم پاکستان استوار است. بخاطر نشان دادن تعهد خود در عمل، و هم چنان در نظر، تعهدیکه مداوم بوده، ما باید بخاطر فرصتهای دیرپا، باهم یکجا مقاومت کنیم.

القاعده برای مردم پاکستان بجز تخریب و تباهی چیز دیگری نمی دهد. من از کانگرس امریکا خواهش میکنم که مسوده کمک مستقیم به مردم پاکستان را از جانب هر دو حزب منظور کنند. بدین وسیله هر سال کمک یک و نیم میلیارد دلر به عنوان کمک مستقیم الی پنج سال آینده به آنها داده خواهد شد و توسط آن اعمار مکاتب، سرکها و شفاخانه ها صورت خواهد گرفت و دموکراسی پاکستان را تقویه خواهد کرد.

حکومت پاکستان باید همکار قوی در تخریب پناه گاهای مصئون تروریستها باشد و باید القاعده را از مردم پاکستان مجزا سازد.

ما به مذاکرات سه جانبه و دوامدار بین ایالات متحده امریکا، افغانستان و پاکستان آغاز خواهیم کرد. ملت های ما به شکل منظم و دوامدار باهم ملاقات خواهند کرد. در این مذاکرات وزیر خارجه (کلتن) و وزیر دفاع (گیتس) رهبری مذاکرات و تلاشهای ما را در جهت افزایش و تشریک معلومات استخباراتی و همکاری نظامی در امتداد سرحد به عهده خواهند داشت. در عین حال به مسایل ذیعلاقه جانین مانند تجارت، انرژی و انکشاف اقتصادی نیز توجه خواهند کرد.

در عین حال ما توجه خود را به سوی آموزش و افزایش نیروهای امنیتی افغانستان معطوف خواهیم کرد؛ تا آنها بالاخره در جهت تامین امنیت در کشور خود پیشقدم شوند. هر قطعه نظامی امریکا در افغانستان با قطعه افغان شریک و همکار می گردد.

برای افزایش آموزگاران از متحدین ناتو نیز خواهش بعمل خواهد آمد تا این مسئله تحقق یابد که هر قطعه امنیتی افغان یک همکار از قوای ائتلاف داشته باشد. ما در جهت ازدیاد و گسترش اردوی افغانستان مساعی خود را سرعت بخشیده، اردوی افغانستان را به حدود ۱۳۴ هزار خواهیم رساند. قوه پولیس به ۸۲ هزار افزایش خواهد یافت. تا این اهداف الی سال ۲۰۱۱ تکمیل گردد.

همزمان با این اجراءات باید به شکل غیر مترقبه در بخش ملکی نیز ازدیاد مساعی صورت گیرد. افغانستان یک حکومت منتخب دارد، اما توانایی حکومت توسط فساد اداری صدمه دیده در انجام خدمات اساسی به مردم خود مواجه با مشکلات است. اقتصاد این مملکت را ازدیاد فاحش در تجارت و قاچاق مواد مخدره، عقب زده و باعث تشویق جنایتکاری و تمویل بغاوت در کشور گردیده است. مردم افغانستان در جهت تحقق بخشیدن وعده های مستقبل بهتر تلاش میکنند.

جهت پیشرفت امنیت، مساعد ساختن فرصتها و تحقق عدالت نه تنها در کابل بلکه از سطح زیرین تا سطوح عالی در ولایات، ما به متخصصین زراعتی، معلمین، انجنیران و قانوندانان ضرورت داریم. بدینوسیله ما میتوانیم که به حکومت افغانستان در جهت خدمت به مردم خود کمک و مساعدت کنیم. اقتصادی را رشد بدهیم که زیر سایه قاچاق نا مشروع مواد مخدره نباشد.

اما اشتباه نکنید که: اگر مادر آینده افغانستان و پاکستان سرمایه گذاری نکنیم، تلاشهای ما به ناکامی مواجه خواهد گردید.

ما با حکومت افغانستان مبنی بر یک پیمان جدید می‌خواهیم که علیه فساد اداری اقدام نموده محک و معیارهایی را برای بکار برد کمک های بین المللی وضع نمائیم تا به شکلی از آن استفاده شود که حوایج و ضرورت های مردم افغانستان را مرفوع سازد.

با هسته مرکزی و آشتی ناپذیری که در بین طالبان وجود دارد، باید با قوه برخورد

گردد و باید مغلوب گردد. اما تعدادی اند که بر اساس مجبوریت و یا اخذ مبلغی اسلحه برداشته اند. این افغانها باید، اختیار داشته باشند که راه متفاوتی را برای خود انتخاب کنند. به همین سبب ما با رهبران محلی، حکومت افغانستان و همکاران بین المللی خود تشریک مساعی می نمائیم که جریان آشتی ملی را در هر ولایت شروع کنند. ما به تقویه کردن حقوق اساسی و بشری تمام افغانها به شمول زنان و دختران ادامه خواهیم داد.

و بالاخره یکجا با ملل متحد برای افغانستان و پاکستان هیئت ارتباطی جدید را خواهیم ساخت که مشتمل بر اعضای تمام کشورهای باشد که در امنیت منطقه سهمیم هستند. در این جمله متحدین ناتو و همکاران دیگر و دول آسیای مرکزی، کشور های خلیج، ایران، روسیه هند و چین شامل هستند. مرکزهای تروریستی القاعده به نفع هیچ یکی ازین کشورها نبوده و از منطقه ایکه در هرج و مرج فرورفته باشد، بهره ئی نه خواهند برد. اما در تعهد برای صلح دوامدار، امنیت و انکشاف همه سهمیم اند.

جنگ در افغانستان، به انتخاب ایالات متحده امریکا نبود. تقریبا سه هزار مردم ما در یازده سپتمبر ۲۰۰۱ کشته شدند. آنها به جز اینکه به زندگی روزمره خود ادامه میدادند مرتکب هیچ گناهی نشده بودند. از همان به بعد القاعده و متحدینش در چندین کشور عده زیادی از مردم را به قتل رسانده اند. دستان آنها زیاده تر به خون مسلمانها آلوده است. القاعده نسبت به مردم دیگر عده زیادی از مسلمانها را به قتل رسانده است. القاعده این چنین آینده را به مردم پاکستان و افغانستان تقدیم میدارد. آینده بدون امید برای زندگی خوب، آینده عاری از عدالت و صلح.

راهی که پیش رو قرارداد طولانی است. روزهای مشکلی در پیش خواهیم داشت. اما ما خواهان شراکت و همکاری دوامدار با مردم افغانستان و پاکستان هستیم. شراکتی که برای مردم وعده روز جدید را در بر دارد. "

یادی از نوروز ۱۳۸۸ خورشیدی

گوئید به نوروز که امسال نیاید
بلبل به چمن نغمه شادی نسراید
در کشور ماتم زدگان ره نگشاید
ماتم زدگان را لب پر خنده نشاید
خون میدمد از خاک شهیدان وطن وای
ای وای وطن وای

نوروز ۱۳۸۸ با درد ورنج و مصیبت توده های ستمدیده افغانستانی گره خورده است. نوروز در کشوری که آماج حملات ددمنشانه امپریالیستهای اشغالگر امریکایی و متحدین شان قرار گرفته و به ویرانه ای مبدل گشته است؛ آزادی و استقلال آن زیر چکمه های ارتش متجاوز خورد و خمیر شده است؛ حاکمیت ملی آن توسط خائنین ملی و مزدوران دربار امپریالیزم به معرض فروش گذاشته شده است و فقر و فلاکت از سر و روی ستمدیدگان آن میبارد؛ روزی از نو و نوروزی از نو نیست، بلکه ادامه شب تیره و تار در آغاز یک سال دیگر است. نمیتوان ازین درد ورنج، ازین مصیبت و غم و از این اندوه یادی نکرد.

نمیتوان آوارگان بی پناه را دید

نمیتوان آزادگان را در قفس دید

نمیتوان یتیمان را بی سرپرست یافت

نمیتوان تمامی رنج ها و دردها و مشقت های سرزمین اشغال شده را دید ولی ساکت و خاموش باقی ماند.

بله باید سخن گفت

سخن از ستم باید گفت و چهره های خائینانه اش را باید افشاء ساخت.

ناتوان میمانی از رفتن با دوپا از آهن و پولاد

ناتوان میمانی از گفتن بلب پر حرف و پرفریاد

تا بکی خرگوش و آراز و حشت روباه

در پناه دره های دور باید خفت؟

ناتوان میمانی از گفتن

باید گفت باید گفت

باد بهاران و عطرشقایق و نسیم جانبخش نوروزی، زینت بخش دشت و دامان و صحرای سرزمین زیبای افغانستان است. اما نمیتوان فراموش کرد که این کشور و زیبایی های آن آماج حملات زورگویان اجنبی و اجنبی پرستان، نیروهای یانکی و مزدوران بومی شان، قرار گرفته و زیر چکمه های نیروهای اشغالگر و پوشالی خورد و خمیر شده و به ویرانه ای مبدل شده است.

اما این را هم فراموش نخواهیم کرد که مردم ما در همه ادوار تاریخ از استقلال سیاسی و آزادی کشور، از افتخارات سلحشوران و آزادیخواهان کشور، از جانباختگان راه استقلال و آزادی کشور با قبول قربانی ها، مقاومت ها و ایستادگی ها جانانه به دفاع برخاسته و در طول تاریخ اشغالگران اجنبی و نوکران گوش به فرمان شانرا به زباله دان تاریخ روانه کرده اند.

ولی به قول دانشمند و تاریخ نویس بزرگ افغانستان میر غلام محمد غبار: ”مردم ما بعد از هر حمام خون باز هم همان لباس چرکین به تن کرده اند.“ و بارها حاصل و ثمره جانفشانی های مردمان سلحشور کشور بنا بر نداشتن یک نیروی پیشاهنگ انقلابی و رهبری سالم، توسط دشمنان مردم به یغما برده شده است.

بیائید با تمام قوت بکشیم که این بار مردمان آزادیخواه افغانستان با درس آموزی از تجارب گذشته خویش در تحت یک رهبری ملی مردمی و انقلابی به بهار آزادی واقعی و دموکراسی مردمی نائل آیند.

به امید آمدن چنین بهار زندگی ساز - بهار نو - سال نو - نوروزتان پیروز!

مقایسه آمار تلفات غیر نظامیان میان سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در افغانستان

تلفات توسط طالبان و شبکه القاعده و ۳۹ فیصد تلفات توسط نیروهای امریکایی مستقر در خاک افغانستان به ثبت رسیده است. " (تلویزیون طلوع - اخبار ساعت ۱۱:۳۰ شب دوشنبه ۱۷ فبروری ۲۰۰۹)

با استناد به این گفته ها، اگر ما ۴۰ فیصد افزایش تلفات غیر نظامیان را در نظر بگیریم دیده میشود که تعداد تلفات سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۱۸۴۳ نفر بوده است.

به این ترتیب، تلفات غیر نظامی صرفاً در جریان دو سال یعنی سالهای ۲۰۰۷ عیسوی و ۲۰۰۸ عیسوی بصورت مجموع بالغ بر ۴۴۲۳ نفر میشود.

اگر ما بخواهیم صرفاً تلفات افراد ملکی را در طی سالهای ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۷ مورد ارزیابی قرار دهیم بخوبی دیده میشود که چه تعداد افراد غیر نظامی افغانستانی که بیشترین تعداد شان را زنان و کودکان تشکیل میدهد، در طی این سال ها کشته شده اند.

به صراحت لهجه میتوان گفت که ارمغان امپریالیستهای اشغالگر امریکایی نابودی کشور و مردمان بی دفاع آن میباشد. امپریالیستهای اشغالگر امریکایی برای استحکام سیطره خویش بر آسیای مرکزی، خاور میانه و آسیای جنوبی از تحمیل هیچگونه بدبختی و آوارگی بر مردمان افغانستان و جهان دریغ نخواهند کرد. فقط اراده آهنین مردمان آزادیخواه این سرزمین میتواند لجام بدبختی و اسارت را پاره نماید و آزادی را به ارمغان بیاورد.

از زمان شروع کارزار تجاوزکارانه امپریالیستهای امریکایی که با بهانه قرارداد دادن حادثه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ بعنوان روپوشی افغانستان را مورد تهاجم و لشکرکشی خویش قرار دادند تا الحال تلفات بیشماری از اهالی ملکی افغانستان به ثبت رسیده است.

حملات هوایی و راکتی سنگین مهاجمین تجاوزگر امپریالیستی به افغانستان، در ابتدای حمله به این سرزمین که مدت تقریباً دو ماه را دربرگرفت ده ها هزار تن از اهالی ملکی افغانستان را به خاک و خون کشانیده و صدها هزار تن دیگر را بی خانمان و آواره کرد. در جریان کارزار تجاوزکارانه اشغالگران امپریالیستی، کشور ویرانه افغانستان بیشتر از پیش به ویرانی کشانده شده است.

آمار و ارقام تلفات غیر نظامیان در جریان تقریباً هفت و نیم سالی که از تجاوز امپریالیستهای امریکایی به افغانستان میگذرد، تا حد معینی توسط رسانه های متعدد به ثبت رسیده است. از آنجمله تلویزیون خصوصی طلوع در اخبار ساعت یازده و نیم شب دوشنبه مورخ ۱۷ فبروری ۲۰۰۹ گزارش داد که آمار تلفات غیر نظامیان سال ۲۰۰۸ عیسوی در کتاب دولت، به شرح زیر، به بیش از ۲۵۸۰ نفر به ثبت رسیده است:

۱۱۶۰ تن غیر نظامی توسط طالبان

۸۶۰ تن غیر نظامی توسط امریکائی ها

۵۶۰ تن غیر نظامی توسط اردو و پولیس دولتی

آمار ارائه شده سال ۲۰۰۸ افزایشی به اندازه ۴۰ فیصد تلفات افراد ملکی را نسبت به سال ۲۰۰۷ نشان میدهد که ۵۵ فیصد این

مقاومت ادامه دارد

گزارشگریکار جوانان

۲۱ حوت ۱۳۸۷

مظاهره کنندگان خواستار خارج شدن نیروهای خارجی از کشورشان بودند. به گفته حاجی ذقوم که در جمع خبرنگاران صحبت مینمود گفت: "نامنی و بی ثباتی با آمدن نیروهای خارجی در منطقه افزایش یافته است."

مسئولین محلی هلمند درین مورد ابراز بی اطلاعی کرده و دفتر مطبوعاتی نیروهای خارجی ولایت هلمند این موضوع را رد نموده است.

این چندمین بار است که افراد ملکی توسط نیروهای اشغالگر امپریالیستی به خاک و خون کشانیده میشوند. تنها راه نجات مردم از چنگال این جانپان مقاومت ملی مردمی و انقلابی میباشد که آنها را در بیرون رفت ازین اسارت رهنمون میگردد.

شده که در جمع خبرنگاران حضور یافته بود میگفت که اگر دولت صدای آنها را نشنود، آنها قیام خواهند کرد. وی علاوه نمود که فرد کشته شده دهقان فقیری بوده است که توسط مرمی هاوان نیروهای خارجی مورد هدف قرار گرفته و کشته شده و همزمان با وی برادر دیگرش که مصروف آب داری بوده نیز زخمی گردیده است.

حاجی ذقوم یک تن دیگر از موی سفیدان محل که با خبرنگاران صحبت نمود میگفت که این دو برادر مصروف دادن کود به زمینهای شان بودند که مرمی هاوان بالای آنها اصابت نموده است. وی ادامه داد که این خانواده شخص دیگری برای نفقه ندارد و با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد.

باشندگان شهر لشکرگاه ولایت هلمند صبح امروز مورخ ۲۱ حوت ۱۳۸۷ دست به تظاهرات علیه نیروهای اشغالگر امپریالیستی و مزدوران بومی شان زدند.

مظاهره کنندگان میگفتند که شب گذشته در منطقه سپینه کوه بشران در غرب شهر نیروهای خارجی یک فرد ملکی را کشته اند و یک تن دیگر را نیز مجروح نموده اند.

این تظاهرات تا بعد از ظهر امروز در حومه شهر دوام نمود، پولیس دولتی در گوشه و کنار شهر مستقر گردیده و از گسترده شدن دامنه احتجاج جلوگیری مینمود. تظاهرات کنندگان بر ضد نیروهای دولتی و نیروهای خارجی شعار میدادند.

حاجی احمد خان یک تن از بزرگان منطقه یاد

لیست کاندیداتوران دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست‌نشانده

و

افشاء چور و چپاول دارائی های عامه توسط مقامات بلند پایه این رژیم

- دور دوم - مورخ چهارشنبه ۵ حمل ۱۳۸۸ (۲۵ مارچ ۲۰۰۹) نیز درج گردیده است. قرار است تا دفتر مرکزی کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات کار خود را به منظور فراهم نمودن اسناد و معلومات لازم برای این کاندیدان سرز تاریخ ۲۹ حمل ۱۳۸۸ روی دست بگیرد و از تاریخ ۵ ثور ۱۳۸۸ مرحله عملی ثبت نام این نامزدان را شروع نماید.

ما در اسناد و مدارکی که قبلا ارائه داشتیم یادآور شده بودیم که: "گردانندگان حاکمیت پوشالی و بطور مشخص تقریبا تمامی کاندیداهای اصلی انتخابات ریاست جمهوری، عناصر رهن، چپاولگر و جنایتکاری هستند که در برپادی کشور و در بدری مردمان آن، مستقیما نقش های بزرگی بازی کرده اند."

همچنان بیان کرده بودیم که پروسه "انتخابات ریاست جمهوری" پروسه تحکیم و گسترش حضور قوت های اشغالگر امپریالیستی در کشور خواهد بود. به این ترتیب انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست‌نشانده هر زمانیکه برگذار شود و هر کسی را رویکار آورد فقط به درد تحریم خواهد خورد و بس!

خود می‌رود. از زمان شروع پروسه "ثبت نام رای دهندگان" (۱۵ میزان ۱۳۸۷) الی تاریخ ۵ حمل ۱۳۸۸ خورشیدی شانزده نفر به ترتیب ذیل کاندیدای این پروسه "انتخاباتی" اعلام شده اند:

۱. حامد کرزی
 ۲. انور الحق احدی
 ۳. بشیر احمد بیژن
 ۴. رمضان بشردوست
 ۵. سید جلال کریم
 ۶. شهلا عطاء
 ۷. شهنواز تتی
 ۸. عبدالجبار ثابت
 ۹. میرویس یاسینی
 ۱۰. محمد داوود سلطان زوی
 ۱۱. معتصم بالله مذهبی
 ۱۲. محمد حلیم تتویر
 ۱۳. اشرف غنی احمدزی
 ۱۴. حبیب منگل
 ۱۵. عبدالقادر امامی غوری
 ۱۶. مسعوده جلال
- این لیست (لیست کاندیدای انتخابات) در شماره ۳۴۷ - هفته نامه کابل - سال هشتم

در این مقاله می‌خواهیم از یک طرف لیست افراد سرشناسی را که علنا تصمیم گرفته اند تا در خیانت ملی آشکارا سهیم شده و به عنوان پیش قراول این خیانت در بازی به اصطلاح انتخاباتی در رقابت تنگاتنگ با هم به مبارزه بنشینند و به نیروهای ۳۷ کشور اشغالگر امپریالیستی و ارتجاعی خارجی نشان دهند که کدام یک بهتر میتواند خاک کشور، استقلال و آزادی مردمان کشور و حاکمیت ملی مردمان ما را تقدیم اشغالگران نماید، ارائه نمایم و از طرف دیگر به گوشه بسیار کوچکی از خیانت نابخشودنی حامد کرزی و فاروق وردک که در جریان حاکمیت شان بر مردم ستمدیده افغانستان روا داشته اند، اشاره ای داشته باشیم. با این امید که خائنین ملی روزی در دادگاه مردمی به پای میز محاکمه کشانیده شوند.

ارائه لیست: در سال ۱۳۸۸ خورشیدی، افغانستان شاهد ناملاپتمی های بیشتر از گذشته خواهد بود. دولت دست‌نشانده با پشتیبانی نظامی و مالی ۳۷ کشور اشغالگر امپریالیستی و ارتجاعی خارجی، در راس امپریالیزم امریکا، در سال جدید خورشیدی با بوق و کرنا به پای به اصطلاح انتخابات دور دوم ریاست جمهوری

افشاء چور و چپاول دارائی های عامه توسط مقامات بلند پایه دولت دست‌نشانده:

برای مقامات بلند پایه دولت دست‌نشانده در نظر گرفته شده بخوبی افشاء میشود. این سند به اصطلاح معتبر دولتی به امضاء سه مقام بلند پایه دولت طی مراحل گردیده است که عبارتند از:

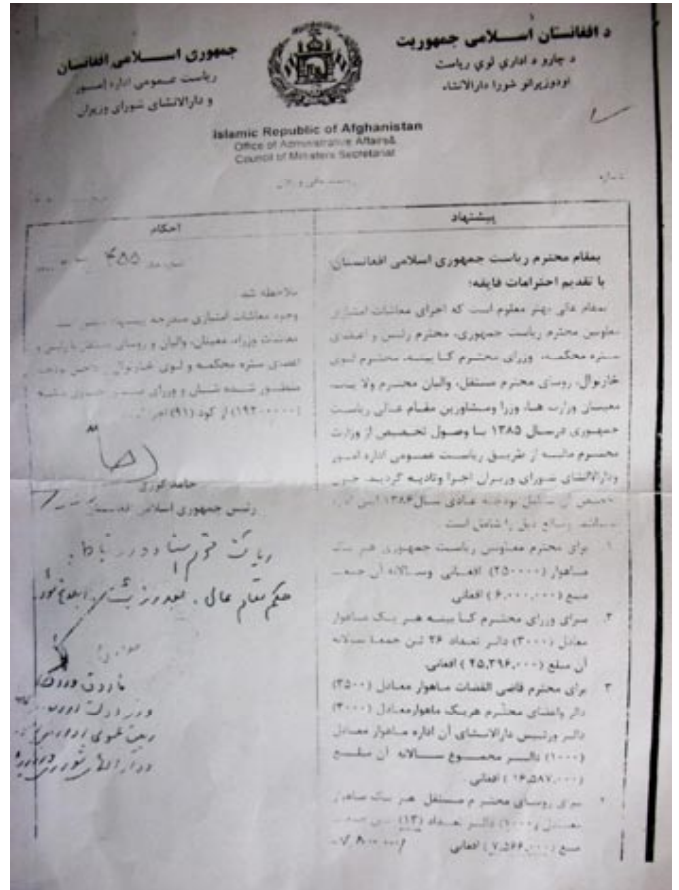
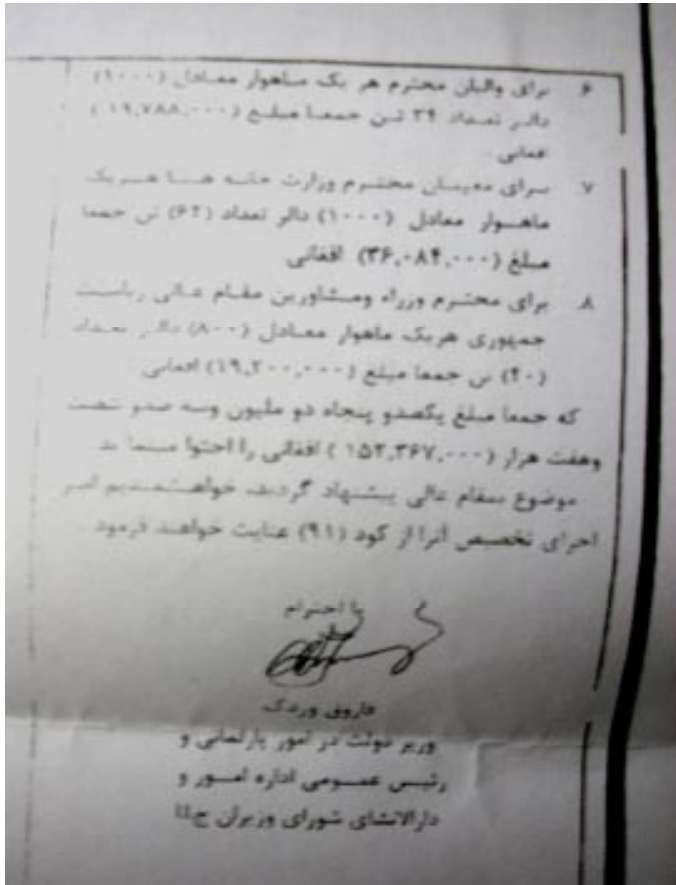
۱. حامد کرزی - رئیس دولت دست‌نشانده
۲. فاروق وردک، وزیر دولت در امور پارلمانی و رئیس عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران افغانستان - وی در برگزاری جرگه امن منطوقی نیز پست و مقام دارد.
۳. صادق مدبر معاون اداره امور

به تصاویر اسکن شده ذیل دقت کنید:

امپریالیست را از خاک میهن بیرون رانده و دولت دست‌نشانده و مزدورشان را که به غیر از تباهی و در بدری و چور و چپاول کار دیگری ندارد از بیخ و بن بر انداخت. گردانندگان فعلی حاکمیت پوشالی و تقریبا تمامی کاندیداهای اصلی انتخابات ریاست جمهوری، عناصر رهن، چپاولگر و جنایتکاری هستند که در برپادی کشور و مردمان کشور نقش به سزائی ایفاء کرده و میکنند. برای نشان دادن این موضوع، می‌خواهیم به گوشه ای از رهنی ها و چپاولگری های حاکمیت پوشالی اشاره ای داشته باشیم.

در سند ارائه شده، معاشات امتیازی که

پیکار جوانان می‌خواهد به اسنادی که به دست مان رسیده اشاره ای داشته باشد. این اسناد اگرچه مربوط به سال ۱۳۸۶ خورشیدی میباشد، اما افشاء حقایق که یکی از وظایف تخطی ناپذیر جنبش انقلابی جوانان افغانستان به شمار می‌رود، هر زمانی که صورت بگیرد، در روشن ساختن ذهنیت عامه موثریت داشته باشد. باید چهره های خائنین را بهتر شناخت، باید به خیانت های ملی اعمال شده بر مردمان ستمدیده بیشتر انگشت نهاد، باید اذهان عموم را نسبت به آنچه که در کشور جاری است بیدار ساخت، باید به بسیج مردمی دست زد و باید دست در دست هم داد تا اشغالگران



پیش از آنکه به توضیح سند فوق پردازیم بهتر است متن آنرا بدون کم و کاست نقل نمایم:

بمقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان

با تقدیم احترامات فایقه:

بمقام عالی بهتر معلوم است که اجرای معاشات امتیازی معاونین محترم ریاست جمهوری، محترم رییس و اعضای ستره محکمه، وزرای محترم کابینه، محترم لوی حارنوال، روسای محترم مستقل، والیان محترم ولایات، معینان وزارت خانه ها، وزرا و مشاورین مقام عالی ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۵ با وصول تخصیص از وزارت محترم مالی از طریق ریاست عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران اجرا و تادیه گردید.

چون تخصیص آن شامل بودجه عادی سال ۱۳۸۶ این اداره نمیشد و مبالغ ذیل را شامل است.

۱. برای محترم معاونین ریاست جمهوری هر یک ماهوار (۲۵۰۰۰۰) افغانی و سالانه جمعا مبلغ (۶۰۰۰۰۰۰) افغانی.
 ۲. برای وزرای محترم کابینه هر یک ماهوار معادل (۳۰۰۰) دالر تعداد ۲۶ تن جمعا سالانه آن مبلغ (۴۵۳۹۶۰۰۰) افغانی.
 ۳. برای محترم قاضی القضاات ماهوار معادل (۳۵۰۰) دالر و اعضای محترم هر یک ماهوار معادل (۳۰۰۰) دالر و رییس دارالانشای آن اداره ماهوار معادل (۱۰۰۰) دالر مجموع سالانه آن مبلغ (۱۶۵۸۷۰۰۰) افغانی.
 ۴. برای روسای محترم مستقل هر یک ماهوار معادل (۱۰۰۰) دالر تعداد ۱۳ تن جمعا مبلغ (۷۵۶۶۰۰۰) افغانی. (در این قسمت سند با قلم تصحیح شده و مبلغ ۷۸۰۰۰۰۰ آمده است).
 ۶. برای والیان محترم هر یک ماهوار معادل (۱۰۰۰) دالر تعداد ۳۴ تن جمعا مبلغ (۱۹۷۸۸۰۰۰) افغانی.
 ۷. برای معینان محترم وزارت خانه ها هر یک ماهوار معادل (۱۰۰۰) دالر تعداد ۶۲ تن جمعا مبلغ (۳۶۰۸۴۰۰۰) افغانی.
 ۸. برای محترم وزراء و مشاورین مقام عالی ریاست جمهوری هر یک ماهوار معادل (۸۰۰) دالر تعداد (۴۰) تن جمعا مبلغ (۱۹۲۰۰۰۰۰) افغانی.
- که جمعا مبلغ یکصد و پنجاه و دو میلیون و سه صد و هفت هزار (۱۵۲۳۶۷۰۰۰) افغانی را احتوا می نماید. موضوع به مقام عالی پیشنهاد گردید، خواهشمندیم امر اجرای تخصیص آنرا از کود(۹۱) عنایت خواهند فرمود.

با احترام

فاروق وردک

وزیر دولت در امور پارلمانی و رییس عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران ج.ا.ا.

حکم شماره ۴۵۵ رییس جمهور افغانستان (حامد کرزی) درباره ی این پیشنهاد:

ملاحظه شد:

وجوه معاشات امتیازی مندرجه پیشنهاد منظور است. معاشات وزرا، معینان، والیان و روسای مستقل بارییس و اعضای ستره محکمه و لوی حارنوال از داخل بودجه منظور شده شان و وزرای مشاور حاوی مبلغ (۱۹۲۰۰۰۰۰) از کود (۹۱) اجرا گردد.

حامد کرزی
رییس جمهوری اسلامی افغانستان

ریاست محترم اسناد و ارتباط :

حکم مقام عالی بعد از ثبت ابلاغ شود.

صادق مدبر

معاون فاروق وردک

وزیر دولت در امور پارلمانی

رییس عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران

این دوموضوع از سلسله آصف ننگ به فاروق وردک، از فاروق وردک به شخص رئیس جمهور و از آن چینل به صادق مدبر رسیده و هیچکدام متوجه این دواشتباه نشده اند و سند به اصطلاح معتبر دولتی را برگشت نداده اند! خوب است که چهره این باسوادان بیسواد دولت دست نشانده یک باردیگرمورد ارزیابی همه جانبه قرار گیرد.

۷. با شروع دور دوم ریاست جمهوری دولت دست نشانده باید تذکر داد که پس از دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده، ترکیب اساسی حاکمیت پوشالی دست نخورده باقی خواهد ماند و دچار هیچگونه تحول ماهوی و یا حتی تحولات جدی غیر ماهوی نمیتواند شود.

۸. این سند گوشه ای از خیانات دولت دست نشانده حاکمه را نشان میدهد. خیانت ملی و ننگهبانی از استثمار طبقاتی فئودالی و بورژوا کمپرادوری در ذات و سرشت این حاکمیت دست نشانده، که سرنوشت آنرا از ابتدا تا انتها رقم میزند ریشه دارد.

۹. شوونیزم و ستمگری ملی و تقویت مردسالاری فئودال کمپرادوری، خصلت های اجتماعی برجسته این حاکمیت ارتجاعی ستمگر را تشکیل میدهد.

۱۰. هویت ارتجاعی مذهبی یکی از تبارزات عمده ماهیت ضد دموکراتیک این حاکمیت استبدادی را می سازد.

پیکار جوانان از تمامی خوانندگان خود جدا تقاضا دارد تا درانتشار هرچه بیشتر اینگونه اسناد ما را یاری رسانند تا باشد که چهره خائنین ملی حاکمیت پوشالی هرچه بهتر برای مردمان ستم دیده کشور آشکار شود.

پست های کلیدی دیگری که در اختیار دارد نیز عوایدی دریافت میدارد. طوریکه قبلا نیز از طریق رسانه ها افشاء شده است، در سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۷ والیان جنوب کشور مبالغ هنگفتی بعنوان پول " کوپراتیفی " از دولت دریافت مینمودند.

۴. دولت دست نشانده شب و روز از طریق رادیو و تلویزیون اعلام میدارد که پول رایج افغانستان افغانی است و هیچ کسی حق آنرا ندارد که با کلدان پاکستانی یا دالرامریکایی داد و ستد کند در غیر آن " با متخلف برخورد قانونی صورت میگردد "; در حالیکه خودشان معاشات را با پول دالر تعیین نموده و به مرحله اجراء قرار میدهند؛ اگرچه معادل آنرا نیز در مقابل پول دالر ذکر می کنند. اما باید تذکر داد که اسعار در افغانستان دارای قیمت ثابت نیست و یکسان نخواهد ماند. دولت دست نشانده خود قانون میترشد و خود قانون را نقض میکند. این خود نشاندهنده گوشه بسیار کوچکی از تناقض میان حرف و عمل دولت مزدور امپریالیزم امریکاست.

۵. این سند تنها ارائه دهنده معاشات امتیازی مقامات میباشد و معاشات اصلی شان به روال عادی پرداخت میگردد.

۶. در سند به اصطلاح معتبر دولت دست نشانده، اشتباه فاحش دیگری نیز مشخص است و آن یک پرش کیفی از شماره چهارم به شماره ششم است و بخوبی نشان داده که شماره پنجم از قلم مانده و هیچ کس بدان توجه ننموده و از طرف دیگر در شماره چهارم غلطی در جمع و تفریق صورت گرفته که باز پس به قلم تصحیح گردیده و

آنچه در بالا مطالعه گردید، مراحل اداری ای میباشد که توسط سه مقام ارشد دولتی تحریر، امضاء و به مرحله اجراء درآمده و بر اساس حکم صادره، معاشات افراد کلیدی دولت دست نشانده تعیین و پرداخت گردیده است. با توجه به اسناد ارائه شده باید تذکر داد که :

۱. حاکمیت دست نشانده متشکل از خائنین ملی خادم و خدمتگزار متجاوزین و اشغالگران امپریالیست میباشد که به غیر از منافع شخصی و استثمارگرانه طبقاتی شان دیگر به هیچ چیزی پایبندی نداشته و ندارند. منافع ملی کشور توسط همین جنایتکاران مزدور و دست نشانده به ساده ترین وجه حیف و میل شده و به جیب شخصی شان فرو میریزد. گردانندگان حاکمیت دست نشانده به شیوه های گوناگون به غارت و تاراج دارائی های عامه دست می زنند.

۲. این حاکمیت از لحاظ طبقاتی بخش عمده فئودالها و کمپرادوران را نمایندگی میکند و گردانندگان این حاکمیت بصورت کل عناصر جنایتکار، رهن و چپاولگری هستند که در ویرانی های کنونی کشور و در بدری مردم آن، بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم نقشهای مهمی بازی کرده و میکنند. سند ارائه شده نشان می دهد که حیف و میل دارائی های عامه توسط گردانندگان رژیم کاملاً آشکارا و به اصطلاح قانونی صورت می گیرد.

۳. این سند نشاندهنده این مطلب است که فاروق وردک با ذکر ۲۶ وزارتخانه، خودش را نیز جزء وزرا بحساب آورده است تا بتواند از معاش ۳۰۰۰ دالری مستفید گردد. نه تنها وی به این معاش بسنده نمیکند بلکه از طریق

مبارزات زنان بخش مهمی از مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی

فرا رسیدن هشت مارچ، روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه تبریک می گوئیم. تجلیل از هشت مارچ، تجلیل از مبارزات زنان و قربانی هایی است که زنان مبارز در راه احقاق حقوق شان تا حال در کشورهای مختلف جهان متقبل گردیده اند. این مبارزات با وجود نیل به دستاوردهای معینی اساساً تا حال پایان نیافته و همچنان ادامه دارد. بنابراین تقبل قربانی های بیشتر مبارزاتی در شرایط کنونی و در آینده نیز ضروری خواهد بود.

در کشور ما هم اکنون مسئله زنان توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده به مثابه گروگانی برای توجیه اشغالگری امپریالیستی و خیانت ملی به کار گرفته می شود. آنها وزارت امور زنان ایجاد کرده اند، برای زنان در پارلمان پوشالی نمایندگی نسبی داده اند، زنان معینی را به وزارت و ولایت و ریاست رسانده اند، برای یکتعداد از زنان و دختران تحصیل یافته در موسسات وابسته دولتی و غیر دولتی زمینه اخذ معاشات بالای دالری را مهیا ساخته اند و ... تا نشان دهند که آزادی زنان در نبود استقلال کشوری و آزادی ملی بدست می آید.

این افسانه دروغین و این فریبکاری عظیم باید افشا و رسوا گردد. پا مال شدن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور یعنی پامال شدن هویت کشوری و ملی مستقل تمامی زنان و مردان کشور. در چنین شرایطی آیا زنان افغانستانی، و همچنان مردان کشور، می توانند حقوق و آزادی هایی داشته باشند؟ بلی می توانند داشته باشند، اما نه حقوق و آزادی های حقیقی، درست همانگونه که بردگان می توانند "حقوق و آزادی" هایی داشته باشند. البته برای بردگانی که به بردگی تن داده باشند، این "حقوق و آزادی ها" نه تنها کافی و وافی خواهند بود، بلکه مستلزم دعا برای سلامتی سر و دوام قدرت اربابان نیز می باشند. اما برای زنان و مردانی که تن به بردگی نمی دهند، "حقوق و آزادی" های مذکور، که به مثابه پرده فریبی برای پوشاندن اسارت و بردگی بکار گرفته می شوند، نه تنها نمی توانند باعث اغفال گردند، بلکه باعث تشدید مبارزات آنها بخاطر سرنگونی اسارت در تمامی ابعاد آن نیز می شوند.

در شرایط امروزی افغانستان، که کشور تحت اشغال نیروهای متجاوز امپریالیستی قرار دارد و یک رژیم دست نشانده متشکل از خائنین ملی، حاکمیت پوشالی خود را بر آن اعمال می نماید، مبارزات زنان بخاطر تامین حقوق و آزادی های انسانی شان، بخش مهمی از کلیت مقاومت و مبارزه ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده را تشکیل می دهد. بنیاد گرایان مرتجع و زن ستیزی که در عین مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی، حقوق و آزادی های انسانی زنان را انکار می کنند و با تمسک به "حقوق و آزادی" های اعطایی اشغالگران و رژیم دست نشانده به زنان، بینش و عملکرد غلیظ شوونیستی مرد سالار شان را رنگ مقاومت علیه اشغال و تجاوز می دهند، صرفاً در حق زنان کشور جفا نمی کنند، بلکه با محروم کردن نصف نفوس جامعه از حقوق شان، منجمله حق مقاومت و مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی، در حق کل کشور و تمامی مردمان کشور، یعنی تمامی زنان و مردان، جفای بزرگ و غیر قابل بخششی مرتکب می شوند. مبارزه علیه این جفای بزرگ نیز بخش جدایی ناپذیری از مقاومت و مبارزه ملی مردمی و انقلابی بخاطر تامین حقیقی استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور است.

فرخنده باد هشت مارچ روز جهانی زن!

خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی رها سازیم!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

هشت مارچ ۲۰۰۹

به یاد جانبختگان ۲۴ حوت هرات مقاومت ملی مردمی و انقلابی خویش را مستحکم نمایم

" استعمار گران و امپریالیست ها دست در دست حکام خودکامه و ستمگر برای حفظ و تداوم اسارت خلق ها و بقا و دوام نظام ضد انسانی مبتنی بر سلطه استعمار و امپریالیزم و استثمار توده های زحمتکش ، همراه با اعمال شوونیسم بر اقوام و ملیت های تحت ستم و تحمیل اسارت بر زنان ، به بیرحمانه ترین شیوه های سرکوب و ددمشانه ترین ویرانگری ها و قتل عام ها متوسل شده اند. " (اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان)

یکی از صفحات خونین تاریخ افغانستان ، قیام توده یی ۲۴ حوت ۱۳۵۸ توده های هرات است. در این روز توده های شهر و روستاهای اطراف هرات علیه رژیم کودتائی مزدور سوسیال امپریالیستهای شوروی دست به قیام زده و نفرت و انزجار خویش را به تمام دنیا نشان دادند. اگر چه خون ۲۵۰۰۰ جانبختگان راه آزادی و استقلال توسط خائنین ملی غصب گردید و توسط جنایتکاران مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی به شدت و خونین ترین شکست سرکوب شد اما قیام بر علیه سوسیال امپریالیستهای شوروی و دولت مزدور وقت ادامه یافت.

توده ها که از ظلم و تعدی ، استبداد و اختناق ، رنج و مشقت رژیم کودتائی به تنگ آمده بودند بتاريخ ۲۴ حوت ۱۳۵۸ با دستانی خالی در شهر هرات علیه رژیم وقت دست به قیام زدند. شهریان هرات و مردمان روستاهای اطراف شهر قادر شدند تا در همان ساعات اولیه قیام بیشترین نقاط و ساحات تحت کنترل رژیم را فتح و از دست عوامل خونخوار رژیم بیرون کنند.

هنگامیکه فرقه عسکری دولتی (" فرقه - ۱۷ پیاده ") از درون متلاشی شد و قیام کنندگان درون فرقه نیز با توده های قیام کننده یکجا شدند در آن لحظه به خوبی دیده میشد که به غیر از چند نقطه مهم شهر مانند قومندانی امنیه هرات و محبس ، تمامی شهر در کنترل قیام کنندگان قرار گرفته بود.

رژیم ددمش و خونخوار همراه با ارباب سوسیال امپریالیستی اش به شدت علیه این قیام عکس العمل نشان دادند. طی دو روز متوالی شهر و روستاهای اطراف آن توسط طیارات مربوط به قوای هوائی رژیم و همچنان طیارات قوای هوائی " شوروی " که از میدان های هوائی آنسوی مرز های شمال افغانستان پرواز می کردند ، بمباران گردید. ده ها هزار نفر از توده های قیام کننده در این بمباران ها جان باختند و یا زخمی شدند. تنها رقم جان باختگان به مرز ۲۵۰۰۰ نفر رسید. هیچ کوجه و محله شهر هرات و هیچ قریه و روستای اطراف آن از سهم بودن در این قربانی عام بی نصیب نماند .

اما کشته ها بخاک سپرده می شدند ، زخمی ها از عرصه کارزار بیرون برده می شدند و قیام ادامه می یافت. دشمن زبون که از دم منشی و خونریزی گسترده نتیجه ای نگرفت ، حيله ای براه انداخت و با استفاده از آن فرقه عسکری را به محاصره کشید ، به درونش نفوذ کرد و قیام کنندگان در آنجا را سرکوب نمود. از دست رفتن فرقه عسکری ضربه سختی به قیام وارد نمود و شکست آنرا رقم زد.

حيله گران مزدور ، پس از سرکوب قیام فرقه ، هزاران تن از اهالی شهر و روستا ها را که با بیخبری از اوضاع ، برای قیام کنندگان غذا و سائر مایحتاج شان را تامین میکردند ، دستگیر نمودند.

وقتی آفتاب روز ۲۶ حوت غروب کرد ، آفتاب قیام ۲۴ حوت نیز غروب کرده بود. این غروب گلگون رنگ ، روز ها و شب های خونینی در پی داشت. دشمن زخم خورده در پی انتقام گیری بر آمد. اهالی شهر هرات و روستاهای اطراف دسته دسته دستگیر شدند ، گروه گروه به قتل رسیدند و در گورهای دسته جمعی در زیر خاک مدفون گردیدند.

قیام به شکست انجامید ، اما مقاومت به شکل دیگری ادامه یافت؛ ولی اصولی ادامه نیافت و در جهت امیال اساسی توده ها پیش نرفت. وقتی سال ها بعد ، رژیم سرکوب کننده قیام ۲۴ حوت و قاتلان چند میلیون از مردمان این مرز و بوم فرو پاشید و " قهرمانان مقاومت " قدرت را از بقایای آن تحویل گرفتند؛ خون های ریخته شده میلیونی توده ها را به فراموشی سپردند و قاتلان آنها را در بدل تحویل گیری قدرت مورد عفو قرار دادند. آنها به ادامه این خیانت عظیم شان ، خیانت های دیگری مرتکب شدند. در دوران حاکمیت ارتجاعی و ضد انسانی آنان ، آنچنان جنایاتی به وقوع پیوست که جنایات سوسیال امپریالیست های شوروی و نوکران شان را در اذهان کمرنگ ساخت. این " قهرمانان " خائن به عرصه ای که قهرمانی های شان را مدیون آن بودند ، سر انجام خود به جنگجویان زیر رکاب متجاوزین و اشغالگران دیگری مبدل گردیدند و یکبار دیگر این مرز و بوم و مردمان آن فاقد استقلال و آزادی ملی حتی ظاهری شدند.

مجمع عمومی خائنین ملی " خلقی - پرچمی " ، جهادی و طالبی ای که " دولت جمهوری اسلامی افغانستان " نام دارد ، با اتکا به قوتهای نظامی و حمایت های سیاسی و اقتصادی اربابان اشغالگر و غیر اشغالگر شان ، " قانون " وضع می کند و نام انرا " منشور مصالحه و آشتی ملی " می گزارد تا خائنین ملی و جنایتکاران شامل در ارگان های مختلف قدرت خود را ، از لحاظ سیاسی و قضائی غیر قابل تعقیب و غیر قابل مجازات اعلام کند.

اکنون در ادامه و در پروسه همین خیانت های جاری ، آنهائیکه ادعا دارند محصلان استقلال افغانستان از چنگال سوسیال امپریالیست های شوروی و نوکران شان هستند؛ آنهائیکه کل افتخارات مقاومت علیه سوسیال امپریالیست ها و مزدوران شان را به خود منسوب میدانند ، آنهائیکه به یاد قربانیان قیام ۲۴ حوت " تپه شهداء " ایجاد می کنند و هنوز هم از افتخارات این قیام می خورند؛ با بیشرمی و بی آبرویی کامل سیاسی ، دست در دست سائرمقطاران قاتل و جنایتکار شان می گزارند و با آنها اتحاد سیاسی بر قرار نموده زیر چتر امپریالیزم لجام گسیخته دیگری میخزند و دوشادوش امپریالیستهای اشغالگرا میکیای بر استقلال و آزادی این سرزمین و مردمان آن حمله و رمیثوند تا چند صباحی به حاکمیت سبعانه خویش ادامه دهند. اما مردم ، جانبختگان خود را فراموش نمی کنند. بگذار خائنین ملی و دشمنان مردم هر قدر می توانند در حق توده ها و جانفشانی های آنها جفا و خیانت روا دارند ! روز انتقام فرا خواهد رسید !

جنبش انقلابی جوانان افغانستان --- دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۲۴ حوت ۱۳۸۷

گزارشی از آمار خشونت‌های خانوادگی بر زنان افغانستان

که فوقاً بدان اشاره شده ۹۶۹ قضیه از طریق کمیسیون مستقل حقوق بشر حل شده و متباقی آن به مراجع عدلی و قضایی سپرده شده است.

این ارقام درحالی داده میشود که "ودان فراهی" سخنگوی وزارت امور زنان می گوید: در سال ۱۳۸۷ خورشیدی، بیش از ۳۷۰۰ قضیه خشونت علیه زنان، چون ازدواج‌های اجباری، بد دادن، لت و کوب، اختطاف، قتل، عدم پرداخت نفقه، خودکشی، فرار از منزل و غیره در مرکز و ولایات کشور ثبت آن وزارت شده است. وی خاطر نشان ساخت که در سال ۱۳۸۶ نیز بیش از ۳۳۰۰ قضیه همچو خشونت‌ها ثبت آن وزارت گردیده بود.

به سلسله این گفتارها ثریا پرلیکا رئیس اتحادیه سراسری زنان افغانستان نیز می گوید که وضعیت زنان طی سالهای گذشته نه تنها که بهتر نشده بلکه بدتر هم شده است. به گفته پرلیکا در مراکز شهرها امکان دارد که در زندگی زنان تا حدی تغییر مثبت آمده باشد؛ اما در قریه ها و مناطق دور دست کشور به بهتر شدن زندگی زنان توجه نشده و خشونت علیه آنها بیشتر شده است. او می گوید که عدم حاکمیت قانون، ناامنی های موجود در کشور و فساد اداری در ادارات از عوامل عدم کاهش خشونت علیه زنان می باشد.

چشم امید بستن به امپریالیستها و رژیم دست نشانده آب درهاون کوبیدن است. باید محکم و استوار روی پای خود ایستاد و برای بیرون راندن نیروهای اشغالگرو سرنگونی رژیم دست نشانده و عقب زدن این اخلاقیات پوسیده و زشت با تمام توان کوشید. زیرا بدون این مبارزه، حقوق برابر میان زنان و مردان امکان پذیر نیست، همچنانکه بدون آزادی زنان، آزادی جامعه امکان پذیر نیست.

تاریخ ۱۴ حوت ۱۳۸۷ به خبرنگار آژانس خبری پژواک چنین گفت: " طی ۹ ماه سال ۲۰۰۸ قضایایی که ثبت کتاب شده ۲۵۵۸ قضیه و درسال ۲۰۰۷ چیزی که ثبت کتاب گردیده بود ۲۳۷۴ قضیه از انواع خشونت علیه زنان میباشد. " او ادامه داد که ارقام سه ماه اخیر سال گذشته میلادی و سال جاری هنوز ترتیب نشده است.

وی همچنان ادامه داد که قضایای یاد شده تنها در دفتر کار کمیسیون "مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده و جدا از قضایایی است که ثبت کتاب وزارت امور زنان میشود.

به اساس معلوماتی که وی ارائه داد " ۱۳۶۴ واقعه لت و کوب، ۱۷۶ قضیه عدم پرداخت نفقه، ۷۲ خودسوزی، ۲۷ خودکشی، ۱۵۱ تریاک خوری، ۱۱ اقدام به قتل، ۷۶ قتل ناموسی، ۳۰ بد دادن و یا بدل کردن، ۱۵۸ ازدواج اجباری، ۱۹ اخراج از منزل، ۳۳ ممانعت از فعالیت های اجتماعی، ۱۸ غصب ملکیت، ۵۸ درخواست تفریق، ۶۴ تجاوز جنسی، ۱۵۳ سقط جنین و ۱۴۸ واقعه فرار از منزل از جمله قضایای ثبت شده خشونت علیه زنان در سال ۲۰۰۸ در آن کمیسیون می باشد. " (آژانس خبری - پژواک - ۱۴ حوت ۱۳۸۷)

وی گفت که این واقعات در ولایات کابل، هرات، بلخ، کندز، قندهار، پکتیا، ننگرهار، بامیان، دایکندی، بدخشان، فاریاب و غور که دفاتر کمیسیون در آن موجود است؛ ثبت گردیده است. به اساس معلومات منبع متذکره، در بین این ولایات بیشترین رقم خشونت‌ها به ترتیب در کندز، کابل و قندهار به ثبت رسیده است. هنریار یاد آور شد که از جمله قضایایی

افغانستان کنونی کشوریست مستعمره و موزیمی است از جنایت و خیانت که در آن تمام نیروهای جنایتکار و زن ستیز حاکمیت پوشالی را در کف دارند و هر روز به اشکال و انواع گوناگون جنایت شان را بنمایش میگذارند. تمام این جنایتکاران از پشتیبانی مالی امپریالیستهای غربی برخوردار اند. کشمکش و جنگ وجدل میان نیروهای ارتجاعی علاوه بر غارت، چپاول و آواره شدن مردم باعث گردیده که زنان در ردیف اول قربانیان قرار گیرند. روزی نیست که در هر ولایت تجاوز برزنی اتفاق نیفتد. از زمان تجاوز امپریالیستهای غربی به رهبری امپریالیزم امریکا تجاوز جنسی بر زنان روز بروز شدیدتر شده است و خشونت های خانوادگی نیز گسترده تر از پیش گردیده است. بر اساس گزارشی از گزارشگریکار جوانان طی سال گذشته خورشیدی (۱۳۸۷)، در کشور ۶۲۵۸ قضیه خشونت علیه زنان در "وزارت امور زنان" دولت دست نشانده و کمیسیون به اصطلاح مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده است.

این رقم قوس صعودی خشونت های خانوادگی را در افغانستان نسبت به سال قبل آن یعنی سال ۱۳۸۶ نشان میدهد. در سال ۱۳۸۶ قضایایی که مربوط به خشونت علیه زنان میشد بالغ بر ۵۶۷۴ قضیه در سطح کشور میگردید که در ارگانهای یاد شده ثبت شده بود. البته لازم به تذکر است که اکثریت خشونت ها درج کتاب دولت نمیگردد و به زنان افغانستان کماکان اجازه ابراز نظر و یا شکایت داده نمیشود. بنابراین آمار داده شده صرفاً ارقامی است که توسط دولت دست نشانده در وزارت امور زنان آن ثبت کتاب گردیده است.

انارکلی هنریار معاون بخش حمایت و انکشاف حقوق زنان در کمیسیون به اصطلاح مستقل حقوق بشر افغانستان به

۸۱ واقعه خودسوزی در سال ۱۳۸۷

ثبت شفاخانه سوختگی هرات

گزارشگریکار جوانان

۱۷ حوت ۱۳۸۷

براساس تازه ترین گزارش های رسیده از ولایت هرات یک زن درولسوالی اوبه براثرخودسوزی جان داد. این واقعه درحالی اتفاق می افتد که هرات درآستانه تجلیل مراسم هشت مارچ ۲۰۰۹ قرار دارد.

داکتر عبدالجبار سهیل آمر صحت عامه ولسوالی اوبه ولایت هرات گفت که:

"جان بی بی ۴۵ ساله باشنده قریه سربیره شب گذشته با استفاده از تیل خاک اقدام به خود سوزی کرده است که شدت جراحت وی بیش از ۹۰ درصد تشخیص شده و بعد ازگذشت نیم ساعت درشفاخانه ولسوالی، جان داده است."

قومندان امنیه اوبه میگوید که این زن دارای شش فرزند میباشد و بیوه بوده و براثر مشکلات خانوادگی دست به خود سوزی زده است. وی ادامه میدهد که فرزند کوچک این زن ۴ ساله و فرزند بزرگش ۲۵ ساله میباشد.

در حالی از ادامه خودسوزی های ولایت هرات خبر داده میشود که داکتر عارف جلالی معاون شفاخانه سوختگی هرات میگوید از آغاز سال ۱۳۸۷ الی آغاز سال ۱۳۸۸ خورشیدی، با خود سوزی "جان بی بی"، تعداد واقعات به ۸۲ واقعه خود سوزی در حوزه غرب که اکثرا مربوط هرات میباشد میرسد که منجر به وفات ۵۵ زن و ۴ مرد شده است و ۲۱ تن دیگر با در بستریه سرمیبرند و با بهبودی یافته مرخص شده اند.

قرار معلومات جلالی تعداد واقعات در سال ۱۳۸۶ نیز در این ولایت به ۸۵ واقعه رسیده بوده که در شفاخانه سوختگی هرات ثبت کتاب شده است و این خودسوزی ها باعث هلاکت ۵۰ زن و یک مرد گردیده است.

عوامل اصلی این خوسوزی ها فقر، بیسوادی، عدم آگاهی و بیشتر خشونت های فامیلی عنوان شده است.

دولت دست نشانده و خادم امپریالیزم روزهشت مارچ را تجلیل مینماید، اما بخاطر



اغفال مردم و تحمیق توده ها. بیشترین این مراسم های تجلیل هشت مارچ در کشور جنبه تشریفاتی داشته و هیچ راه بیرون رفتی برای زنان ستم دیده افغان از اسارت نشان نمی دهد و در حل مشکلات و جلوگیری از خشونت علیه زنان و دختران گام های عملی ای در برداشته است.

در شرایط کنونی افغانستان، امپریالیستهای امریکایی و متحدین شان تلاش دارند تا خود را مدافع "آزادی زنان" در مقابل شتونیسیم غلیظ طالبانی معرفی نمایند تا از این طریق بتوانند مبارزات زنان را از مسیر اصلی اش منحرف نموده و نظام پوسیده پوشالی را از گزند مبارزات آزادیبخش توده ها محافظت نمایند. امپریالیستها بخوبی درک می نمایند که جنبش انقلابی مبارزاتی زنان بهترین متحد توده های زیر ستم در نابودی جامعه کهن و ایجاد جامعه نوین میباشد.

در کشورهای تحت اشغال مانند افغانستان، مبارزه زنان نقش مهمی در پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین ایفا میکند. در چنین کشورهایی، جنبش زنان نه تنها قیود مرد سالاری و پدرسالاری را زیر ضربت قرار میدهد، بلکه در قدم اول توجه این جنبش به گسستن زنجیر های امپریالیستی بوده و اشکال گوناگون ستم بر زن را بدون قید و شرط و ملاحظه افشا مینماید. چنانچه از ابتدای قدرت گیری رژیم پوشالی دسته هشت مارچ زنان افغانستان این رسالت تاریخی خود را به نحو احسن انجام داده و چهره دو رویانه امپریالیست های اشغالگر و رژیم پوشالی را افشا نموده است.

امتیازاتی که زنان میتوانند در اثر مبارزات خود بدست آورند فقط با بیرون راندن نیروهای اشغالگر و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین بدست می آید، در غیر این صورت دشمن هر آن لحظه میتواند این دست آوردها را به زور و قهر از زنان باز بگیرد.

مقامات عالی دولتی در رژیم دست نشانده نوکران زر خرید امپریالیست ها و مراجع امپریالیستی اند

موقعیت های عالی دولتی نیست. حتی در دفتر کار کرسی افرادی مانند فاروق وردک، داود زی، همایون حمید زاده و غیره هستند که معاشات شان در حد همان معاش ادیب فرهادی است. آنهم معاشاتی که از بودجه دولتی اخذ می‌دارند. این درحالیست که مردمان فقیر و در بدر افغانستانی به علف خوری روی آورده و حتی از دست فقر و ناداری فرزندانشان را به معرض فروش می‌گذارند.

نماینده مردم بادغیس درولسی جرگه چندی پیش اعلام داشت که در چند ولسوالی از ولسوالی های ولایت بادغیس مردم به علف خواری روی آورده اند. در ولایات بدخشان، غزنی، پکتیا و ولایت غور و غیره آمار از گرسنگی فوق العاده شدید مردم به دست آمده است. فروش دختران و پسران خردسال در بدل پول ناچیز و یا تلف شدن از گرسنگی یکی از ارمغان هایی است که اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان به مردمان افغانستان "اعطا" کرده اند.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!
مرگ بر باند مافیایی کرسی این باند زر خرید اشغالگران امپریالیست ها!

**سند را در صفحه بعدی مطالعه
نمایید.**

بیست دالری معاشات کارمندان عادی دولتی و معلمین مکاتب دولتی بودجه ندارد و حتی خواست بر حق آنان برای افزایش معاشات شانرا قهرا سرکوب می نماید. از آنجمله اعتصابات معلمین برای افزایش معاشات را در سراسر ولایات کشور، علیرغم وعده های دروغینی که تا حال بارها تکرار نموده، مکررا سرکوب نموده است.

ادیب فرهادی، در کنار معاشی که از بانک جهانی گرفته، معاشات گزاف دیگری نیز از مراجع دیگر به چنگ آورده است، یعنی در حقیقت امر معاشی که فوقا ذکر نمودیم بخشی از درآمد غیر مشروع ادیب فرهادی و امثالهم میباشد.

ادیب فرهادی یک شخص متخصص در رشته اقتصاد نیست و متهم است که اسناد تحصیلی جعلی برای خود ساخته است. اما دولت دست نشانده وی را به عنوان مدیر دفتر "استراتژی انکشاف ملی افغانستان" گماشته است. گماشتن افرادی از این دست در رده های کلان اقتصاد کشور به این مفهوم است که معیار اصلی برای دستیابی که موقعیت های عالی دولتی، تخصص و تحصیلات عالی نیست، بلکه وفاداری و مزدوری به اشغالگران امپریالیست به مثابه نوکران زر خرید آنان است.

در سند ادعا شده که ادیب فرهادی در رقابت های آزاد انتخاب شده است، در حالیکه به گفته تحلیلگران سیاسی این گفته اصلا صحت ندارد و هیچگونه اعلان و آگهی برای رقابت آزاد دیده نشده است. مورد ادیب فرهادی یگانه مورد در





سند اسکن شده زیر به امضاء محمد امین فرهنگ وزیر سابق اقتصاد دولت دست نشانده و وزیر تجارت افغانستان به یک مقام بانک جهانی در کابل است که نشان می‌دهد ادیب فرهادی معین سابق وزارت اقتصاد در یک سال معاشی به اندازه ۴۸۸ برابر معاش یک کارمند عادی افغانستان را داشته است. گرچه سند مربوط به چهار سال قبل یعنی ماه می ۲۰۰۵ میلادی میباشد اما بخوبی نشاندهنده این امر است که گردانندگان رژیم نوکران زر خرید مراجع امپریالیستی و نهاد های بین المللی وابسته به امپریالیست ها اند.

در این سند از بانک جهانی خواسته شده که ضمن تمدید قرارداد ادیب فرهادی معاش وی را یکصد و نود و هشت هزار (۱۹۸۰۰۰) دالر بیشتر از معاش سال گذشته، که دو صد و نود هزار و پنجاهصد (۲۹۰۵۰۰) دالر بوده است، تعیین نماید؛ که مجموعا مبلغ چهار صد و هشتاد و هشت هزار و پنجاهصد (۴۸۸۵۰۰) دالر میشود. چنانچه حد وسط معاش یکساله یک کارمند عادی دولتی در افغانستان را مبلغ یک هزار (۱۰۰۰) دالر یا پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) افغانی در نظر بگیریم؛ می بینیم که معاش سالانه جناب ادیب فرهادی تقریبا برابر با معاش پنجاهصد (۵۰۰) نفر کارمند عادی دولتی بوده است.

دولت دست نشانده و مزدور کرسی بارها وعده داده است که معاشات کارمندان عادی و معلمین مکاتب دولتی را افزایش می دهد، اما مداوما بهانه آورده است که به دلیل کمبود بودجه نمیتواند این وعده اش را عملی نماید. این دولت مزدور و دست نشانده زر خرید امپریالیست های اشغالگر برای معین یک وزارت خانه می تواند از بادرانش سالانه تقریبا نیم میلیون دالر معاش بگیرد، اما برای افزایش ده

دور دوم شماره یازدهم حمل ۱۳۸۸ (اپریل ۲۰۰۹)

سند اسکن شده محمد امین فرهنگ وزیر وقت اقتصاد و وزیر تجارت دولت دست نشانده که به بانک جهانی داده شده است.

<p>د افغانستان اسلامي جمهوریت د اقتصاد وزارت د افغانستان د بیرونوځی او پرمختیوې خدمتو دفتر</p>  <p>Islamic Republic of Afghanistan Ministry of Economy</p>	<p>جمهوری اسلامی افغانستان وزارت اقتصاد ملی دفتر خدمات بزمسازي و تکنیکی افغانستان</p>
<p>May 19, 2005</p>	
<p>Mr. Pierre Romand-Heuyer ARTF Manager World Bank Wazir Akbar Khan Kabul, Afghanistan</p>	
<p>Dear Mr. Romand-Heuyer:</p> <p>We seek the World Bank's "no objection" to the renewal of Mr. Adib Farhadi for a period of 12 months as Project Manager of TAFSU.</p> <p>Mr. Farhadi was initially selected competitively to undertake this assignment from a pool of candidates. H.E. President Karzai subsequently endorsed the appointment in a presidential decree. Mr. Farhadi's outstanding performance during the initial phase of the assignment has led to the Government's decision to request an extension of his contract for another 12 months.</p> <p>The value of the first contract was \$290,500. The requested extension is estimated to significantly cost a lower ceiling (USD) in the amount of \$198,000. The contract is to be financed under category 1 (consultants) of the ARTF Technical Assistance and Feasibility Studies (TAFS - TF050970).</p> <p>Thank you in advance for your positive and expedited response and please do not hesitate to contact me if you have any further questions.</p> <p>Sincerely,</p>  <p>Dr. M.M. Amin Farhang Minister of Economy Ministry of Economy Islamic Republic of Afghanistan</p>	
<p>FOR THE CLIENT</p> <p>Signed by: </p> <p>Title: Minister of Economy</p>	<p>FOR THE CONSULTANT</p> <p>Signed by: </p> <p>Title: Director of ARTF</p>

جواب به نامه های رسیده

ترجمه متن ایمیل رسیده به پیکار جوانان:

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " عزیز
لطف کرده میتوانید بگویند که چه وقت شما همه مقالات و پیکار را ترجمه میکنید؟
وقتی کسی مقالات شما را ترجمه کند، احساس میکنم که وب سایت شما بسیار زیبا خواهد شد. من برای ترجمه شما انتظار خواهم کشید.
زنده باد انقلاب
وی - ج - نیکولاوو
اول اپریل ۲۰۰۹

We got an email from Nikolaou on Wed, April 1, 2009 at 9:37 AM as following text message:

Dear "Revolution Young Movement of Afghanistan"

Could you please tell me that when will you translate all of your articles and "paikar" ?

I feel, that your web site is very nice, when some body translate your articles;I will wait for your translation.

Long Live Revolution

V.G. Nikolaou

ترجمه جواب نامه:

نیکولای عزیز! متأسفانه تا حال قادر نبوده ایم، همه مقالات و پیکار را ترجمه نمائیم. سعی ما بر آن است که پیوسته دامنه ترجمه اسناد را گسترش دهیم. امید داریم هر چه زود تر بتوانیم تمامی نوشته ها و پیکار را ترجمه نمائیم. زنده باد انقلاب!

Our answer for Nikolaou is as follows:

Dear Nikolaou

Unfortunately we haven't been able to translate all articles and Paikar-e-Jawanan till now.

We are in diligence to extend our translations continually.

Hope we can translate whole our articles and Paikar-e-Jawanan as soon as possible.

Long Live Revolution

سلام بر پیکار جوانان جنبش انقلابات آینده افغانستان

خواستیم با تقدیر از فداکاری ها و رشادت های بی امان شما درود گرم خود را خدمت تک تک عزیزانی که بخاطر ملت رنج کشیده افغان و سراسر جهان به پیکار بی امان و به مبارزه دلاورانه قد علم کرده اند، با گرمی هر چه وافرتر تقدیم کنم.

زمانیکه به وب سایت شما دلاوران دسترسی یافتیم و زمانیکه به اسناد شما برخوردیم که شما در داخل خاک به چنین فعالیتی عظیم دست زده اید بینهایت خرسند شدم.

ملت رنج دیده ما منتظر فعالیت های علنی شما عزیزان خواهد بود و منتظر خواهد بود که شما دلاوران و رزمندگان انقلاب به داد ستم دیدگان افغان که هر روز زیر چکمه های اشغالگران امریکایی و دولت مزدورشان لگدمال میشوند، علنا مبارزه خود را شروع نمایید.

آیا امکان دارد راجع به فعالیت های علنی خود مقداری معلومات ارائه دهید؟ چون ما در بحران جهانی مواجه هستیم، امپریالیسم و ارتجاع با فعالیت و وسیع مردمان ستم دیده را هر روز بدتر از دیروز به چنگال خود اسیر میسازند و ما به عنوان قطب انقلاب نمیتوانیم و نخواهیم توانست همچنان سکوت اختیار کرده و صرفاً به مخفی کاری روی آوریم.

منتظر پیام شما دلاوران هستیم.

ح. جویا

۲۶ مارچ ۲۰۰۹

جواب:

سلام ها و درود های گرم ما را بپذیرید. حسن نظر و احساسات رفیقانه تان نسبت به جنبش انقلابی جوانان افغانستان، قوت قلب ما را بیشتر میسازد و در مسیر مبارزاتی مستحکم تر مان می سازد.

اما ما با این بحث شما که مخفی کاری را هم ردیف سکوت دانسته اید، موافق نیستیم. جنبش انقلابی جوانان افغانستان یک حرکت سیاسی مخالف اشغالگران و مخالف رژیم دست نشانده و خواهان برپایی مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه آنها است و نمیتواند فعالیت علنی قانونی داشته باشد. یک حرکت سیاسی صرفاً وقتی میتواند در افغانستان کنونی فعالیت علنی قانونی داشته باشد که قانون اساسی رژیم دست

نشاندہ را بپذیرد و در چوکات نظام مبتنی بر ہمین قانون اساسی فعالیت نماید و نه برای سرنگون کردن و بر انداختن آن. بر این مبنا، جنبش انقلابی جوانان افغانستان، وقتی میتواند فعالیت علنی قانونی داشته باشد که نه انقلابی باشد و نه خواهان مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی و این مترادف است با انحلال جنبش از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک. اینک جنبش انقلابی جوانان افغانستان، فعالیت های مبارزاتی خود را در داخل کشور عمدتاً مخفیانه پیش میبرد، ناشی از همین وضعیت و حالت است. اما پیشبرد فعالیت های مبارزاتی مخفی به معنی سکوت نیست.

پیکار جوانان صدای جنبش است و این صدا از داخل کشور بلند گردیده است. بر علاوه جنبش انقلابی جوانان افغانستان به مناسبت های مختلف اعلامیه هایی منتشر می نماید و این اعلامیه ها را در نقاط مختلف کشور بصورت نسبتاً وسیع پخش می نماید؛ البته به شکل شبنامه ها، چرا که در افغانستان اشغال شده و تحت حاکمیت پوشالی رژیم دست نشاندہ، ما نمیتوانیم روزنامه داشته باشیم و علناً و قانوناً نشرات مان را به چاپ برسانیم و پخش نماییم.

البته تمامی فعالیت های مبارزاتی جنبش انقلابی جوانان افغانستان در داخل کشور، صرفاً فعالیت های مبارزاتی مخفی نیستند و در اشکال مختلف نیمه مخفی - نیمه علنی و حتی نسبتاً علنی نیز پیش میروند که در اینجا جای صحبت تفصیلی در مورد این فعالیت ها نیست. ما در خارج از کشور فعالیت های علنی و با نام و نشان جنبش انقلابی جوانان افغانستان نیز داریم که یک نمونه آن تشکیل گرد همایی های توده وسیع به مناسبت های مختلف - مثلاً روز جهانی زن، روز جهانی کارگر و روز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس - است که غالباً در همکاری با دسته هشت مارچ زنان افغانستان دایر میگردند.

فعالیت مبارزاتی کاملاً علنی در داخل کشور مستلزم کسب توان برای دفاع از خود در مقابل حملات اشغالگران و رژیم دست نشاندہ و همچنان سائر مرتجعین است. ما برای کسب این توان با تمام قوت و توان مان باید کوشش نماییم. هر وقتی چنین توانی را کسب کردیم، درفش مبارزاتی مان را علناً بر خواهیم افراشت. امید داریم تمامی رفقا و دوستان، ما را در کسب این توانمندی و قوت مبارزاتی یار و مددگار باشند.

سلام

بنده محصل هستم و علاقمند نوشته های زیبای تان میباشم. تمنا دارم در صورت امکان نوشته هایتان را به ایمیل آدرس من بصورت سیستماتیک ارسال نمایید.

با عرض ادب

.....

دوست عزیز!

سلام ها و تمنیات نیک ما را بپذیرید.

علاقتمندی تان به نوشته های جنبش انقلابی جوانان افغانستان باعث خرسندی ما است. اما برای ما امکان ندارد که نوشته های مان را بصورت منظم به ایمیل آدرس تان ارسال نمایم. در واقع ما برای دوستان و علاقمندان جنبش انقلابی جوانان افغانستان، که تعداد نسبتاً کثیری را تشکیل می دهند، نمی توانیم نوشته های مان را از طریق پست و یا ایمیل بفرستیم.

تمامی نوشته های جنبش انقلابی جوانان افغانستان در سایت جنبش نشر می گردد و دوستان و علاقمندان میتوانند نوشته ها را از سایت بگیرند.

کامگار باشید!

دروود بر شما!

امیدوارم تلاش های خستگی ناپذیر تان دست آورد های بزرگ برای آزادی و آزادی خواهی داشته باشد
من علاقه مند سرود های انقلابی که از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان نشر میگردد می باشم ولی نمیدانم چگونه به
آن دسترسی پیدا کنم . امیدوارم مرا برای بدست آوردن البوم های هنری تان کمک کنید.
س از اروپا

دروود های متقابل ما را بپذیرید.

علاقه مندی شما به سرود های انقلابی منتشره ما قابل قدر است . اگر علاقمند باشید ما شما را به دوستانی که در اروپا داریم معرفی
می نمائیم ، تا ضمن تماس مستقیم و نزدیک با آنها و همکاری در عرصه های مختلف مبارزاتی ، سی دی ها و یا کست های سرود
های انقلابی ما را نیز بدست آورید .
کامگار باشید!

دیری نخواهد پایید که امپریالیسم به خاطر فجایعی که مرتکب می شود به

گور سپرده شود . امپریالیسم در پرورش و حمایت مرتجعین کشورهای مختلف
که علیه خلق برخاسته اند ، اصرار و سماجت می ورزد ؛ امپریالیسم با توسل به جبر و
زور بر بسیاری از مستعمرات ، نیمه مستعمرات و پایگاههای نظامی چنگ انداخته
و صلح جهانی را با جنگ اتمی مورد تهدید قرار داده است . بدینسان امپریالیسم
بیش از ۹۰ درصد مردم جهان را وادار ساخته است که علیه او برخیزند و یا خود
را برای مبارزه با او آماده کنند . هنوز امپریالیسم برجاست و هنوز در آسیا ، آفریقا و
در امریکای لاتین ترهک تازی می کند . امپریالیستها در غرب هنوز از تعهدی و تعرض
نسبت به توده های مردم کشور خود دست نکشیده اند . این وضع باید تخییر
یابد . این وظیفه خلق های سراسر جهان است که به تجاوز و مظالم امپریالیسم و به
طور عمده امپریالیسم آمریکا خاتمه دهند .

کلیه مرتجعین بر کاغذی هستند . مرتجعین به ظاهر ترسناک به

نظر می آیند ، ولی در واقع چندان نیرومند نیستند . در بررسی مسایل از دید
وسیخ و طولانی ملاحظه می شود که نیروی عظیم واقعی را خلق صاحب است ،
نه مرتجعین .

مقایسه آمار تلفات غیر نظامیان میان سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در افغانستان

از زمان شروع کارزار تجاوزکارانه امپریالیستهای امریکایی که با بهانه قرارداد دادن حادثه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ بعنوان روپوشی افغانستان را مورد تهاجم و لشکرکشی خویش قراردادند تا الحال تلفات
صفحه ۹

مقاومت ادامه دارد

باشندگان شهر لشکرگاه ولایت هلمند صبح امروز مورخ ۲۱ حوت ۱۳۸۷ دست به تظاهرات علیه نیروهای اشغالگر امپریالیستی و مزدوران بومی شان زدند. صفحه ۹

لیست کاندیداتوران دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رژیم دست نشانده

و
افشاء چوروچپاول دارائی های عامه توسط
مقامات بلند پایه این رژیم
در این مقاله میخواهیم از یک طرف لیست افراد سرشناسی را که علنا تصمیم گرفته اند تا در خیانت ملی آشکارا سهیم شده و به عنوان پیش قراول این خیانت در بازی به اصطلاح انتخاباتی در رقابت
صفحه ۱۰

مبارزات زنان بخش مهمی از مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی

فرا رسیدن هشت مارچ، روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه تبریک می گوئیم. تجلیل از هشت مارچ، تجلیل از مبارزات زنان و قربانی هایی است که صفحه ۱۳

به یاد جانبختگان ۲۴ حوت هرات
مقاومت ملی مردمی و انقلابی خویش را مستحکم نماییم
اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان
که در میان اعضاء و هواداران توزیع گردید. صفحه ۱۴

گزارشی از آمار خشونت های خانوادگی بر زنان افغانستان

افغانستان کنونی کشوریست مستعمره و موزیمی است از جنایت و خیانت که در آن تمام نیروهای جنایتکار وزن ستیز حاکمیت پوشالی را در کف دارند و هر روز به اشکال و انواع گوناگون جنایت شان را بنمایش می گزارند.
صفحه ۱۵

۸۱ واقعه خودسوزی در سال ۱۳۸۷ ثبت شفاخانه سوختگی هرات

بر اساس تازه ترین گزارش های رسیده از ولایت هرات یک زن در لوسوالی او به براه خودسوزی جان داد. این واقعه در حالی اتفاق می افتد که هرات در آستانه تجلیل مراسم هشت مارچ ۲۰۰۹ قرار دارد. صفحه ۱۶

مقامات عالی دولتی در رژیم دست نشانده
نوکران زر خرید امپریالیست ها و مراجع امپریالیستی اند
سند اسکن شده زیر به امضاء محمد امین فرهنگ وزیر سابق اقتصاد دولت دست نشانده و وزیر تجارت افغانستان به یک مقام بانک جهانی در کابل است که نشان میدهد ادیب فرهادی معین سابق وزارت اقتصاد در یک سال معاشی به اندازه ۴۸۴ برابر معاش یک کارمند عادی افغانستان را داشته است.
صفحه ۱۷

جواب به نامه های رسیده صفحه ۱۸

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

وب سایت (تارنمای) جنبش انقلابی جوانان افغانستان :

www.afghanistanrymo.org

پست های الکترونیکی (ایمیل آدرسها) :

مقالات و گزارشات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:

paikarejawan@gmail.com

basoye@hotmail.com

soray1364@yahoo.com

نظرات - پیشنهادات و انتقادات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:

jawanaan@gmail.com

afghanistnian123@hotmail.com

